



واج آرای: تکرار یک واج در کلام است؛ طوری که موسیقی و تأثیر حرف را افزایش بدهد. واج آرای می‌تواند با تکرار یک واج تا چندین واج مختلف، اتفاق افتاده باشد. یا مصوت ۲ پدید آمده باشد. همین‌طور، واج آرای می‌تواند با تکرار یک واج تا چندین واج مختلف، اتفاق افتاده باشد.

نمونه‌های واج آرای در صامت:

شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

نمونه‌های واج آرای در مصوت:

من خاک کف پای سگ کوی غلامی / کاو خاک کف پای سگ کوی تو باشد

واج آرای با چند واج مختلف:

گاهی واج آرای با تکرار چند واج متفاوت پرتکرار به وجود آمده است:

خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد / که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز

در واج آرای به دو نکته زیر توجه کن:

دوپینگ: در واج آرای «صدای» حروف مهم است، نه «نوشتار» آنها. وقتی صدا ملاک باشد، تکرار «ء، ع»، «ت، ط»، «ث، س»، «ص»، «ح، ه»، «ذ، ز، ض، ظ» و «غ، ق»، به اعتبار تلفظ یکسان، در هر مورد، مانند تلفظ یکی از این حروف در نظر گرفته می‌شود.

دوپینگ: واج آرای صرفاً تأثیر موسیقایی ندارد و گاهی در «فضاسازی» و «زمینه‌سازی برای انتقال معنی» هم مؤثر است.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است

در کدام بیت، واج آرای به مفهوم شاد بیت کمک کرده است؟

- | | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| چشم از آینه‌داران خط و خالش گشت | لبم از بوسه‌ربایان بر و دوشش باد |
| خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد | که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز |
| از دست برده بود خمار غم سحر | دولت مساعد آمد و می در پیاله بود |
| شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد | صوفیان رقص کنان ساغر شکرانه زدند |

در کدام بیت واج آرای، حاصل تکرار مصوت است؟

- | | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| از جنبش ابروی تو خورشید هراسد | جایی که تو شمشیر کشی جای سپر نیست |
| فرو می‌ریخت خون دیده بر رخسار من وقتی | که در خاطر خیال آن پری رخسار می‌کردم |
| گلگونه شفق رخ خورشید را بس است | حاجت به شمع نیست مزار شهید را |
| بار دل مجنون و خم طره لیلی | رخساره محمود و کف پای ایاز است |



واژه آرای: تکرار یک یا چند واژه است در شعر، طوری که بتواند به موسیقی شعر کمک کند و تأثیر آن را افزایش بدهد. تکرار وقتی اتفاق می افتد که واژه، دوبار یا بیشتر به کار رفته باشد. همین طور، واژه آرای (تکرار) ممکن است «با تکرار چند واژه مختلف» شکل گرفته باشد.

واژه آرای (تکرار) با تکرار یک واژه:

چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی؟ / تو صنم نمی گذاری که مرا نماز باشد

واژه آرای (تکرار) با تکرار چند واژه مختلف:

گل، آن جهانی است نگنجد در این جهان / در عالم خیال چه گنجد خیال گل؟

در آرایه «واژه آرای» (تکرار) به نکات زیر توجه کن:

دوپینگ: متصل شدن «ی نکره»، «علامت جمع»، «تر و ترین»، «شناسه ها»، «مخفف فعل اسنادی» و «ضمیرهای متصل» در آرایه تکرار اشکالی ایجاد نمی کند.

دوستان - دوست / شکر - شکری / زشت - زشت تر

دوپینگ: آرایه تکرار را نباید با جناس همسان (تام) اشتباه گرفت!

دوپینگ: چیزی که در تکرار اهمیت دارد، «جنبه موسیقایی» سخن است و نه «شکل نوشتاری» واژه ها. (تعریف کتاب)

مثال: خطا و ختا / غدر و قدر / صواب و ثواب (چنین چیزی را تکرار نگیرید!!!! جناس است.)

دوپینگ: اگر بیتی ردیف داشته باشد، تکرار داریم. (اختلاف نظر وجود دارد)

چند بیت از ابیات زیر آرایه «تکرار» دارند؟

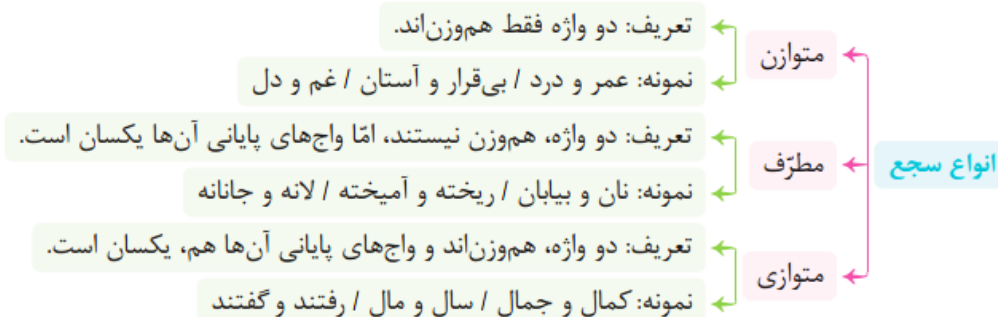
الف) آن میوه بهشتی کآمد به دست ای جان	در دل چرا نکشتی از دست چون بهشتی
ب) نفس که نفس بر او تکیه می کند باد است	به وقت مرگ بداند که باد می پیمود
ج) طریقی فراپیش گیر و رهی	همی رو که از قید هستی رهی
د) کجا او گذشت این دگر ماهیان	گریزند و باشند تا ماهیان
ه) گذشت آن کز شبستانش نمی بودم شبی خالی	که نتوانم گذشت اکنون به روز از پیش بوابش
۱) سه	۲) یک
۳) چهار	۴) دو

کدام بیت دارای واژه آرای است؟

۱) آن سیل که دوش تا کمر بود	امشب بگذشت خواهی از دوش
۲) هم چو چین طره مشکین بت رویان چین	شد جهان از ناف شب پر نافه مشک تار
۳) ساقی عشق ساغری می داد	مست گشتیم از آن مدام مدام
۴) چه بوی است کارام دل می برد	مگر بوی زلف دلارام ماست



سجع: یکسان بودن دو واژه در وزن، در واج (یا واج‌های) پایانی، یا در هر دوی آنها «سجع» نامیده می‌شود.
 * ارکان سجع: به کلماتی که سبب آرایه سجع می‌شوند، «ارکان سجع» می‌گوییم.
 * متن مسجع: نثر و شعری که سجع در آن به کار برود، «مسجع» نامیده می‌شود.
 * انواع سجع: سجع سه شکل دارد: متوازن، مطرف و متوازی؛



در شناسایی آرایه سجع به نکات زیر توجه کن:

نکته: سجع در کلامی دیده می‌شود که دست‌کم دو جمله باشد؛ زیرا سجع‌ها باید در «پایان جمله‌ها» بیایند.

مثال: هر که دشمن کوچک را حقیر می‌شمارد، بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد.

نکته: در مواردی، بعد از سجع‌ها، یک یا چند واژه یکسان می‌آیند و نقش «ردیف» را بازی می‌کنند (مانند «ردیف» در شعر).

مثال: الهی، اگر بهشت چون چشم و چراغ است، بی دیدار تو درد و داغ است.

نکته: این واژه‌های تکراری بعد از سجع‌ها، ممکن است در یکی از جمله‌ها «به قرینه لفظی» حذف شده باشند؛

مثال: مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گرد کردن مال (است).

نکته: در سجع مطرف و سجع متوازی، مانند دو مصراع هم قافیه در شعر، «یکسان بودن حروف پایانی» اهمیت دارد، اما توجه به این نکته مهم است که در سجع، تنها «یکسانی شکل ظاهری» واژه‌ها و حروف مشترک آنها مورد نظر است و بر خلاف قافیه، میان حروف اصلی و الحاقی، تفاوتی در نظر گرفته نمی‌شود.

مثال: بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم.

با توجه به قواعد قافیه دو واژه «نمی‌بینم» و «نمی‌دانم» هم‌قافیه نمی‌شوند (به دلیل یکسان نبودن مصوت در حروف اصلی قافیه)، اما همین دو واژه، سجع می‌سازند (به دلیل وزن یکسان و همین‌طور، یکسان بودن «ظاهر» واج‌های پایانی در دو واژه: م = م)

ارزش موسیقایی سجع:

به ترتیب، از بیشتر به کمتر شامل «سجع متوازی، سجع مطرف و سجع متوازن» است.

سجع در شعر:

سجع بیشتر در نثر به کار می‌رود، اما در شعر هم نمونه‌هایی دارد. یکی از نمونه‌های مهم سجع در شعر، سجع‌هایی است که در قالب «قافیه درونی» یا «میانی» به کار می‌روند.

دلبر که جان فرسود از او، کام دلم نگشود از او / نومید نتوان بود از او، باشد که دلداری کند



نوع «سجع» در همهٔ گزینه‌ها یکسان است؛ به‌جز:

- (۱) پیرمردی حکایت کنند که دختری خواسته بود و حجره به گل آراسته و به خلوت با او نشسته و دیده و دل در او بسته.
 - (۲) باری به لطافتش گفتم: دانم که تو را در مودت این منظور علتی و بنای محبت بر زلتی نیست.
 - (۳) ای پدر! گرسنگی خلق را بکشد، نشنیده‌ای که ظریفان گفته‌اند: به سیری مردن به که گرسنگی بردن.
 - (۴) خشک‌سالی در اسکندریه عنان طاقت درویش از دست رفته بود، درهای آسمان بر زمین بسته.
- سجع در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) یکی از فضلا تعلیم ملک‌زاده‌ای همی‌کردی و ضرب بی‌محابا زدی.
- (۲) آفتاب در مقابل لمعات فطرتش با نقطهٔ ذره مغالطه خوردی و محیط در جنب تموج همتش کار آبرو به قطرگی پیش بردی.
- (۳) خدا گفت: «آن همه منم و نه غیر من. توفیق من روی ننماید از تو و طاعت تو چیزی نیاید.»
- (۴) مرا از بود خود ناچیز کرد و به بقای خویش باقی گردانید و عزیز کرد.

کدام ابیات دارای سجع‌اند؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| الف) آن صبح چو صادق شد عذرای تو وامق شد | معشوق تو عاشق شد شیخ تو مرید آمد |
| ب) ای خواجه نمی‌بینی این روز قیامت را | این یوسف خوبی را این خوش قد و قامت را |
| ج) گفت که دیوانه نه‌ای لایق این خانه نه‌ای | رفتم و دیوانه شدم، سلسله بندنده شدم |
| د) شاد آمدی ای مه‌رو ای شادی جان شاد آ | تا بود چنین بودی تا باد چنین بادا |
- (۱) الف و ج (۲) ب و ج (۳) ب و د (۴) ج و د

نوع سجع در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) تشریف ده عشاق را پر نور کن آفاق را
 - (۲) نگشوده‌مژگان چون شرر از خویش کن قطع نظر
 - (۳) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین
 - (۴) کار دلم به جان رسد کارد به استخوان رسد
- بر زهر زن تریاق را چیزی بده درویش را
- زین یک دو دم زحمتکش جامی و آغازی چرا
- بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را
- ناله کنم بگویدم دم مزن و بیان مکن



موازنه: تقابل (در برابر هم قرار گرفتن) سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله (یا عبارت) است که باعث «هم‌آهنگی» آنها می‌شود. در واقع، هر وقت در دو مصراع، واژه‌ها به ترتیب، دو به دو، با هم سجع متوازی یا متوازن بسازند، یا این که دو به دو کاملاً شبیه باشند (تکرار شده باشند) آرایه موازنه به وجود می‌آید.

این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت / وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید

غلام نرگس مست تو تاجداران‌اند / خراب باده لعل تو هوشیاران‌اند

دوپینگ: حتی اگر یک واژه - فقط یک واژه - با نمونه مقابلش در مصراع دیگر، سجع نداشته باشد، موازنه‌ای وجود ندارد.

ای ز نگاه تو چشم من شده روشن / وی به زبان تو باغ جان هم خرم

دوپینگ: گاهی موازنه میان دو نیم‌مصراع به وجود می‌آید؛

آن دوست که من دارم وان یار که من دانم / شیرین دهنی دارد دور از لب و دندانم

ترصیع: آرایه ترصیع، شکل کامل‌تر و آهنگین‌تر موازنه است. ترصیع، موازنه‌ایست که همه سجع‌های آن «متوازی» باشند. در واقع، اگر واژه‌های دو مصراع - تمامشان - به ترتیب، با هم «سجع متوازی بسازند» یا این که «تکراری باشند»، ترصیع به وجود می‌آید.

زبان‌ش توان ستایش نداشت / روان‌ش گمان نیایش نداشت

ای آنکه جهان را همه فخر از حسب توست / وی آنکه شهبان را همه فخر از نسب توست

دوپینگ: هر ترصیعی، موازنه است، اما هر موازنه‌ای ترصیع نیست! در واقع، فقط موازنه‌هایی که تمام سجع‌هایشان متوازیست، ترصیع به شمار می‌روند.

دوپینگ: در آرایه ترصیع هم، «حتی اگر یک واژه» با نمونه مقابلش سجع متوازی نداشته باشد، ترصیع شکل نمی‌گیرد.

دوپینگ: گاهی وقت‌ها ترصیع میان دو نیم‌مصراع به وجود می‌آید؛

دستی ز غمت بر دل پایی ز پیت در گل / با این همه صبرم هست وز روی تو نتوانم

دوپینگ: آرایه ترصیع در نثر هم به کار می‌رود، که البته بیشتر، آن را نوعی موازنه به شمار می‌آورند.

مثال: بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم



کدام بیت دارای ترصیع است؟

- (۱) به دیدار ماهی به کردار شیری
 - (۲) ای ازدهای دهر دلم بیشتر بخور
 - (۳) ستاننده شهر مازندران
 - (۴) هم حرکاتش متناسب به هم
- به فرهنگ پیری به دولت جوانی
وی آسیای چرخ تنم تنگتر بسای
گشاینده بند هاماوران
هم خطواتش متقارب به هم

در کدام گزینه، موازنه دیده می‌شود؟

- (۱) چو شد روان عمادی به من گذاشت شرف
 - (۲) چون به پایان شد ریاحین گل رسید
 - (۳) چو من بصیری فارغ نباشد از حاسد
 - (۴) عقابی تیر خود کرده پر خویش
- چو رفت جان سنایی به من بماند سنا
چون سرآمد صبح صادق خور بزاد
چو من حکیمی خالی نباشد از اعدا
سیه‌ماری فکنده مهره در پیش

در کدام بیت، تشبیه و موازنه وجود دارد؟

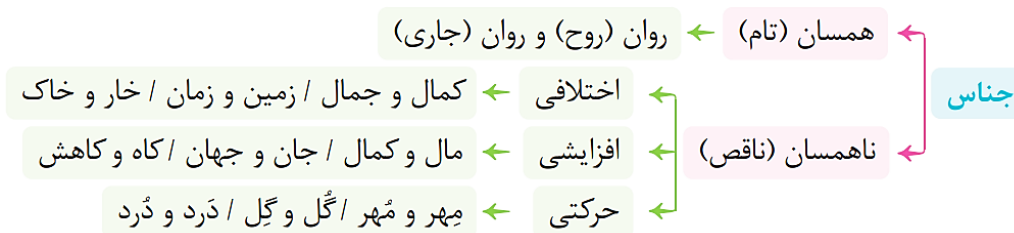
- (۱) زهره مردان نداری خدمت سلطان مکن
 - (۲) چون قدح از دست مستان می‌خوری مستانه خور
 - (۳) بین آن روی اگر بر سرو بستانت قمر باید
 - (۴) ز گرز تو خورشید گریان شود
- پنجه شیران نداری عزم این میدان مکن
چون قدم در خیل مردان می‌زنی مردانه باش
بین آن زلف اگر بر ماه مشکینت کمر باید
ز تیغ تو بهرام بریان شود

کدام بیت، فاقد استعاره و دارای ترصیع است؟

- (۱) عجز فلک را به فلک وانمای
 - (۲) سنبیل او سنبله روزتاب
 - (۳) نسخ کن این آیت ایام را
 - (۴) شیفته شد عقل و تبه گشت رای
- عقد جهان را ز جهان واگشای
گوهر او لعل‌گر آفتاب
مسخ کن این صورت اجرام را
آبله شد دست و ز من گشت پای



جناس: همسانی دو یا چند واژه که از نظر ظاهری «یکسان» یا «نزدیک به هم» ولی در معنی متفاوت باشند، جناس نام دارد.
* جناس بر اساس میزان شباهت واژه‌ها، به دو دسته همسان (تام) و ناهمسان (ناقص) تقسیم می‌شود.



الف) جناس همسان (تام): رابطه میان دو واژه با «ظاهر یکسان» و «معنی متفاوت».

بیا و برگ سفر ساز و **زاد** ره برگیر / که عاقبت برود هرکه او ز مادر **زاد**

ای مرغ اگر **پری** به سرکوی آن صنم / پیغام دوستان برسانی بدان **پری**

دوپینگ: در جناس همسان (تام)، اضافه شدن وندهایی مانند نشانه‌های جمع (ها، ان، ات، ین، ون)، «تر» و «ترین»، «ی» نکره؛ همین‌طور، شکل «مخف فعل اسنادی» (ـَم، ی، [است]، یم، ید، ـند) و ضمیرهای متصل (ـَم، ـت، ـش، ـمان، ـتان، ـشان) «تفاوت» در نظر گرفته نمی‌شود و به جناس همسان (تام) میان دو واژه آسیبی نمی‌رساند؛ این اضافات، اصطلاحاً «خنثی» هستند و حتی با وجود آنها، دو واژه را دارای جناس همسان (تام) می‌دانیم.

شب که خود با روزگار تار خود در جنگ بود / گر مرا **چنگی** به دل میزد نوای **چنگ** بود

آب حیات حسنت گلیگ تر ندارد / طعم دهان **تنگت تنگ** شکر ندارد

دوپینگ: واژه‌هایی مانند «آن»، «چون»، «که» و مانند اینها هم می‌توانند جناس همسان (تام) تولید کنند. کوچک بودن این واژه‌ها باعث نشود از جناس میان آنها غافل شوی!

برو ای سپر ز پیشم **که** به جان رسید پیکان / بگذار تا ببینم **که که** میزند به تیرم

دوپینگ: شرط اصلی در پیدا کردن جناس‌های همسان (تام)، خواندن درست واژه‌ها و درک صحیح معنی آنهاست. هرگز نباید به شباهت‌های ظاهری اکتفا کنیم و همین‌طور، نباید جناس تام را با تکرار (واژه‌آرایی) اشتباه بگیریم!

عهد بستی و شکستی و ز ما بگسستی / **عهد** کردم که دگر **عهد** تو باور نکنم

دوپینگ: جناس تام ارتباط تنگاتنگی با ایهام دارد.

ب) جناس ناهمسان (ناقص): رابطه میان دو واژه با «ظاهر نزدیک به هم» و «معنی متفاوت». این «تفاوت»، اندازه‌ای دارد که براساس آن، جناس ناهمسان (ناقص) به سه گونه تقسیم می‌شود:

۱) **جناس ناهمسان (ناقص) اختلافی:** وقتی دو واژه فقط و فقط در یک واج (به جز مصوت‌های کوتاه) اختلاف داشته باشند.

سیر - پیر / زمین - زمان / خاک / خار

دوپینگ: تفاوت مصوت‌های کوتاه در درستی این نوع جناس اشکالی ایجاد نمی‌کند.

هلال - ملال



۲) جناس ناهمسان (ناقص) افزایشی: وقتی یکی از دو واژه فقط یک حرف بیش از دیگری داشته باشد.

باد - باده / بیا - بیار / جهان - جان / کمال - مال

دوپینگ: در این نوع جناس هم، تفاوت مصوت‌های کوتاه، اشکالی ایجاد نمی‌کند: بار و بهار

۳) جناس ناهمسان (ناقص) حرکتی: هرگاه تفاوت دو واژه فقط در حرکت‌ها (مصوت‌های کوتاه) باشد.

إنعام - أنعام / گُل - گِل / دُرد - دَرَد

دوپینگ: برای تشخیص جناس ناهمسان (ناقص) حرکتی، لازم است تلفظ درست واژه‌ها را با کمک واژه‌های دیگر بیت و اصطلاحاً با توجه به «رابطهٔ همنشینی» انتخاب کنیم. اگر به معنی، تناسب و کاربرد واژه‌ها در بیت توجه نکنیم، پیدا کردن جناس‌های حرکتی دشوارتر از بقیه انواع جناس است.

اشتقاق: یکسان بودن دو یا چند واژه در حروف اصلی و اصطلاحاً در «ریشه». به هم‌ریشگی، «اشتقاق» هم گفته می‌شود.

حرم و حریم و حرمت / معشوق و عاشق / انیس و مونس / رنج و مرنج

دوپینگ: گاهی وقت‌ها دو یا چند واژه از نظر ظاهری شباهت زیادی به هم دارند، اما از یک ریشه یا بن ساخته نشده‌اند؛ به همین دلیل هم، «اشتقاق» محسوب نمی‌شوند. مثال: زمین و زمان / کمان و کمین

نکته: به این طور شباهت‌ها در ادبیات «شبه اشتقاق» گفته می‌شود.

دوپینگ: گاهی دو واژه که از یک ریشه، مشتق شده‌اند، با یکدیگر جناس هم دارند که در برخی موارد به این‌ها «جناس اشتقاق» گفته‌اند. مثال: حرم و حریم



کدام گزینه دارای جناس تام می‌باشد؟

- (۱) کسی کش روان شد به دانش جوان
- (۲) غریب مشرق و مغرب به آشنایی تو
- (۳) ز هر کس بیشتر مهر تو دارم وین دلیم بس
- (۴) این برد فرمان آن کس کو کند فرمان او

- گرش تن بمیبرد نمیبرد روان
- غریب نیست که در شهر ما مقام کنند
- که هر کس را فزون تر مهر حسرت بیشتر دارد
- وان کند آهنگ آن کس کو کند آهنگ او

در کدام بیت، «جناس همسان» و «جناس ناهمسان» به کار رفته است؟

- (۱) پیرو ایشان شو و در آن جهان
- (۲) غم عشقت روان من بفرسود
- (۳) بال و پر مگر شکنی ای صنم
- (۴) دوش ساغره‌ای ساقی جمله ملامال بود

- رخش دل اندر صف مردن جهان
- کجا رفت آن روان تن ندانم
- من پر م از کوی تو؟ هرگز که نه!
- ای که تا روز قیامت عمر ما چون دوش باد

توضیح مقابل کدام بیت نادرست است؟

- (۱) ساقی عشق ساغری می داد
- (۲) در عشق یار نیست مرا صبر و سیم و زر
- (۳) صد هزاران مرد گم گردد مدام
- (۴) چه داند آن که نداند که چیست لذت عشق

- مست گشتیم از آن مدام مدام (دارای جناس تام)
- لیک آب چشم و آتش دل هر دو هست یار (فاقد هر دو نوع جناس)
- تا یکی اسراربین گردد تمام (فاقد جناس)
- از آن که لذت عاشق ورای لذات است (دارای اشتقاق)

چند بیت از ابیات زیر دارای جناس است؟

- (الف) وفا کرده دیده آلا وفا
 - (ب) مرا می کشد یا مرا می کشد
 - (ج) خراشیده تار و خروشنده وار
 - (د) علی رغم فر فرودستی ام
 - (هـ) پناهنده از قهر بیگانه او
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

- جفاجسته جور جان کاهمش
 - یکی زین دو پنجاه پنجاهمش
 - از آن زخمه راه و بی راهمش
 - فرا دست مردم یداللهمش
 - به گهواره مهر گه گاهمش
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

در همه ابیات «اشتقاق» مشهود است؛ به جز:

- (۱) که تو زان دوری در این دور ای کلیم
- (۲) آن که پیشش بنهد تاج تکبر خورشید
- (۳) جام جهان‌نماست ضمیر منیر دوست
- (۴) گر نخواهد داد من امروز داد آن شاه حسن

- پا بکش زیرا دراز است این گلیم
- کبریایی ست که در حشمت درویشان است
- اظهار احتیاج خود آن چه حاجت است؟
- دامنش فردا به نزد دادگر خواهیم گرفت



مرور مطالب

آرایه‌های «تکرار، موازنه، جناس و سجع» به ترتیب در کدام ابیات به کار رفته‌اند؟

- | | |
|---|--|
| الف) گردون چه خواهد از من بیچاره ضعیف | گیتی چه خواهد از من درمانده گدای |
| ب) عاشقان را گرچه در باطن جهانی دیگر است | عشق آن دلدار ما را ذوق و جانی دیگر است |
| ج) بیماری‌ای دارد عجب نی درد سر نی رنج تب | چاره ندارد در زمین کز آسمانش آمده است |
| د) دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت | عمری است که عمرم همه در کار دعا رفت |
- (۱) د - الف - ب - ج (۲) ج - د - الف - ب (۳) د - ب - الف - ج (۴) ج - الف - د - ب

در چه تعداد از ابیات زیر هر دو نوع جناس به کار رفته است؟

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| الف) حکایت‌های این صورت دراز است | وزین صورت مرا در پرده راز است |
| ب) چو حسرت خورد از پرواز آن باز | همان باز آمدی بر دست او باز |
| ج) بر آن دل شد که لعبی چند سازد | بگیرد شاه نو را بند سازد |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) صفر

در کدام گزینه دو جناس تام و یک جناس ناقص وجود دارد؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) مهر جانان چون روان اندر تن من شد روان | از تنم بیرون نیامد مهر او جز با روان |
| ۲) گر نهد بار جفا یار موافق بر یار | گر چه باری است گران بار دگر می‌طلبم |
| ۳) حُسن غریب تو مرا کرد غریب دو جهان | فردی تو چون نکند از همگان فرد مرا |
| ۴) باز عشقت جمله بازان را چو تیهو صید کرد | هست عالی‌همت آن بازی که صید باز توست |

در کدام گزینه جناس تام بیشتری به کار رفته است؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱) مگر می‌نبینی که دد را و دام | نینداخت جز حرص خوردن به دام؟ |
| ۲) کشیده‌قامتی چون نخل سیمین | دو زنگی بر سر نخلش رطب‌چین |
| ۳) در آن آماج کو کردی کمان باز | ز طبل زهره کردی طبلک باز |
| ۴) قرعه افکندند، بس لایق فتاد | قرعه‌شان بر هدهد عاشق فتاد |



در چند مورد از ابیات زیر «جناس و اشتقاق» مشهود است؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| الف) کرد از صبح دل من مطلع دیگر طلوع | وصف آن شاهی که خورشیدش کمینه چاکر است |
| ب) رنجور گشته‌ام ز تمنای مقدمت | بهر خدا به پرسش من رنجه کن قدم |
| ج) بر اهل فضل جهان سرد گونه شد دائم | کزین خزان فضیلت بهار جان نبرد |
| د) این شعر هر که بشنود از شاعران عصر | زهرة ز رشک صاحب انشا برافکند |
| هـ) دلا اگر سر تعلیم من توانی داشت | به غیر علم فراموشی‌ام به یاد مده |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

در چند بیت از ابیات زیر آرایه «ترصیع» دیده می‌شود؟

- | | |
|---|--|
| الف) رهبرم شو زانکه گمراه آمدم | دولتم ده گرچه بیگاه آمدم |
| ب) شکرشکن است یا سخن‌گوی من است | عنبرذقن است یا سمن‌بوی من است |
| ج) ببین آن روی اگر بر سرو بستانت قمر باید | ببین آن زلف اگر بر ماه مشکینت کمر باید |
| د) چو شمع خنده نکردی مگر به روز سیاهم | چو بخت جلوه نکردی مگر ز موی سپیدم |
| هـ) ز باد کوی او در دم دل رنجور جان یابد | ز یاد روی او هر دم دل بیمار درجنبد |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

کدام گزینه فاقد سجع می‌باشد؟

- (۱) اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده.
 (۲) اغلب اوقات به بازیچه فراهم نشستندی و لوح درست ناکرده در سر هم شکستندی.
 (۳) یعنی تو را خواهند پرسید که عملت چیست نگویند پدرت کیست.
 (۴) گفت سبب آن که سخن اندیشیده باید گفت و حرکت پسندیده کردن.

نوع سجع‌های به کار رفته متن زیر به ترتیب در کدام گزینه تماماً درست است؟

- «پاک آن خداوندی که دیدنش به وجود واجب، و عملش به حسن صنایع لازم، زندگیش قوام عالم، ارادتش آفریدن وجود آدم، قدرتش وجود آیات، کلامش بودن مخلوقات. عقل صادر نوآموز مکتب الهام اوست و روح خازن قهرمان امر درگاه اوست. قدوسی که یدش در بقای قدرت است و وجه گنه قدم محبتش نوال حکمت.»

- | | |
|--|--|
| (۱) متوازن، متوازی، متوازن، متوازن، متوازن | (۲) متوازی، متوازی، متوازی، متوازی، متوازن |
| (۳) متوازن، متوازن، متوازی، متوازن، متوازن | (۴) متوازن، متوازی، متوازی، متوازن، متوازی |



علم بیان: در ادبیات، برای انتقال مفهوم‌های خیال‌انگیز و اصطلاحاً برای «آفرینش تخیل و بیان معنا» شیوه‌های گوناگونی وجود دارد که مهم‌ترینشان چهار آرایه «تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه» هستند. به آن دانش ادبی که این طور آرایه‌ها را بررسی می‌کند، «علم بیان» می‌گوییم.

تشبیه: به ادعای همانندی دو چیز در یک یا چند ویژگی مشترک «تشبیه» گفته می‌شود.

مثال: عشق از نظر سوزاندگی مانند آتش است

ارکان تشبیه: هر تشبیه چهار تا پایه و اصطلاحاً «رکن» دارد:

۱. مشبه: رکنی که می‌خواهیم آن را به چیزی تشبیه کنیم. (عشق)
۲. مشبه‌به: رکنی که مشبه را به آن تشبیه می‌کنیم. (آتش)
۳. وجه‌شبه: ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه‌به. (سوزاندگی)
۴. ادات تشبیه: واژه‌ای که مفهوم شباهت را می‌رساند. (مانند)

تو همچو باد سبک می‌روی، چه میدانی / بر این خرابه چه از تُرک‌تاز می‌گذرد؟

دوپینگ: مشبه و مشبه‌به دو رکن اصلی تشبیه‌اند که وجودشان برای تشخیص آرایه «تشبیه» ضروری‌ست، اما دو رکن دیگر (وجه شبه و ادات تشبیه) ممکن است حذف شده باشند. به مشبه و مشبه‌به، روی هم، اصطلاحاً «طرفین تشبیه» (یعنی دو سوی تشبیه) گفته می‌شود.

دوپینگ: یک وقت‌هایی، «نهاد جدا» در بیت نمی‌آید و آن را باید با توجه به «فعل» درک کنیم. این موضوع، در تشبیه هیچ اشکالی ایجاد نمی‌کند.

پریشان‌حال چون زلف بُتانم / چو چشم مست خوبان ناتوانم

دوپینگ: «چون» و «چو» تنها وقتی «ادات تشبیه» به شمار می‌روند و خبر از وجود «هماندی» می‌دهند که معنی «مانند» داشته باشند. معلوم است که این دو تا واژه، در معانی دیگر خودشان (مثلاً هر دو در معنی «هنگامی که» یا «در صورتی که»، و «چون» در معنی «چگونه») ادات تشبیه نیستند.

شیوه گل دلستانی، رسم بلبل نغمه‌خوانی چون / بخندد، چون نگریم؟ چون بنالد، چون ننالیم؟

چو می‌روی به سفر، شعر بنده با خود بر / که طبع، میل کند در سفر به شیرینی

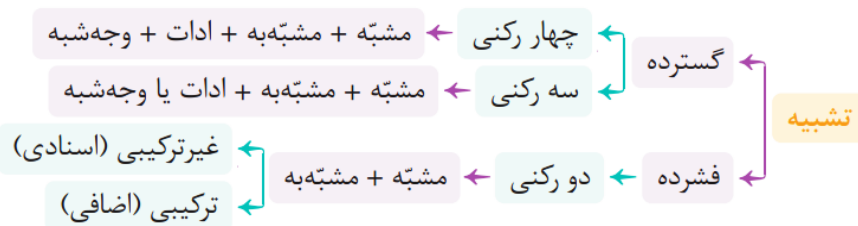
دوپینگ: گاهی تشبیه در قالب یک واژه آشکار می‌شود. این شکل از تشبیه معمولاً ترکیبی از «مشبه و مشبه‌به» است یا ترکیبی از «مشبه‌به و پسوند شباهت»:

(۱) مشبه و مشبه‌به: گلچهره، ماهرخ و ...

(۲) مشبه‌به و پسوند شباهت: مهدیس، مهوش، پریسا، مهسا و ...



انواع تشبیه: براساس تعداد ارکان (پایه‌ها) و نوع به کارگیری آنها برای تشبیه انواع مختلفی را در نظر می‌گیرند:



تشبیه گسترده: خواندی که مشبه و مشبه‌به دو رکن اصلی و ضروری‌اند و هر طور شده، باید وجود داشته باشند. حالا اگر تشبیه، چیزی بیشتر از این دو تا داشته باشد، یعنی چهار رکن یا سه رکن داشته باشد، «تشبیه گسترده» نامیده می‌شود؛ چون علاوه بر دو تا رکن اصلی‌اش، باز هم گسترش یافته و رکن یا ارکان دیگری هم دارد.

ما در طلب زلف تو چون زلف تو پیچان / ما در هوس چشم تو چون چشم تو بیمار

رخی چون گل، لبی چون قند دارد / همه سرمایه بی‌مانند دارد

تشبیه فشرده (بلیغ): از توضیح تشبیه گسترده روشن شد که شکل دیگر تشبیه، یعنی تشبیهی که فقط دو تا رکن اصلی خود (مشبه و مشبه‌به) را به صورت مکتوب (نوشته شده در بیت و عبارت) داشته باشد، «تشبیه فشرده» (و همین طور، تشبیه رسا یا تشبیه بلیغ) نامیده می‌شود. این نوع تشبیه، مختصرتر، پرمعنی‌تر و زیباتر است. تشبیه فشرده خودش دو گونه است:

الف) تشبیه فشرده غیراضافی:

روی تو آتشی است که زلف است دود او / شیری است غمزه تو که دل‌هاست بی‌شاهش

ب) تشبیه فشرده اضافی: در این گونه از تشبیه فشرده، یکی از طرفین تشبیه با کسره به دیگری اضافه می‌شود. به چنین ترکیبی، در اصطلاح، «اضافه تشبیهی» گفته می‌شود.

دوش رفتم به کوی باده‌فروش / ز آتش عشق، دل به جوش و خروش

دوپینگ: در اضافه تشبیهی، اصل بر این است که ابتدا مشبه‌به، و بعد، مشبه بیاید، اما نمونه‌های انگشت‌شماری هم وجود دارند که به هر دو صورت ساخته می‌شوند؛ یعنی هم «مشبهه + مشبه» و هم «مشبه + مشبه‌به».

نمونه‌ها						ترتیب ارکان در اضافه تشبیهی
هندوی خال	سرو قد	ماه رو	لعل لب	کمند گیسو	کمان ابرو	مشبه‌به + - + مشبه
خال هندو	قد سرو	روی ماه	لب لعل	گیسوی کمند	ابروی کمان	مشبه + - + مشبه‌به

دوپینگ: هر کدام از مشبه یا مشبه‌به در اضافه تشبیهی ممکن است وابسته‌ای - مثلاً صفت یا مضاف‌الیه - داشته باشند. دقت کن که وجود این‌طور وابسته‌ها ارتباط میان مشبه و مشبه‌به را در ذهنت قطع نکند و باعث نشود ارکان اصلی تشبیه را گم کنی! همین‌طور، این وابسته‌ها را با رکن‌های اصلی که خود مشبه و مشبه‌به هستند، اشتباه نگیری!

صبر و طاقت را که پشت عقل بر کوه است از او / با شرر هم رقص سازد آتش سوزان عشق



تشبیه مضمَر (پنهان): تشبیه مضمَر به تشبیهی اطلاق می‌شود که در آن، شاعر، قصد خود را از تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر، پوشیده نگه می‌دارد. به عبارت دیگر، با وجود آنکه قصد تشبیه کردن دارد، وانمود می‌کند که چنین قصدی ندارد. حذف ادات تشبیه اولین گام برای تبدیل تشبیه عادی به مضمَر است. از آنجا که ادات تشبیه، عنصری است که بر شباهت دلالت می‌کند، ناگزیر، تشبیه مضمَر که می‌خواهد تشبیه بودن خود را در ظاهر انکار نماید، از پذیرفتن این عنصر خودداری می‌کند.

مثال شعری (۲): «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست» رزوستا آید

توضیح: شاعر به صورت پنهان، رخ را به باغ و گلستان و لب (سخن) را به قند تشبیه کرده است.

مثال شعری (۲): «بنفشه طره مفتول خود گره می‌زد / صبا حکایت زلف تو در میان انداخت»

توضیح: شاعر به صورت پنهان، زلف معشوق را به گل بنفشه تشبیه کرده است.

تشبیه مرکب: در تشبیه مرکب، مشبه و مشبه‌به از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند، بدین گونه که طرفین تشبیه، هر کدام یک هیئت ترکیبی هستند؛ و وجه‌شبهی که از این دو استخراج می‌شود نیز یک هیئت ترکیبی است. مهم‌ترین خصیصه این نوع تشبیه این است که قرینه‌سازی در آن رعایت می‌شود، تصویر و تابلوی مشبه با تصور و تابلوی مشبه‌به مساوی است.

مثال شعری: «خورشید را ز ابر دمد روی گاه‌گاه / چونان حصارهای که گذر دارد از رقیب»

توضیح: مصراع اول با تمام اجزاء به مصراع دوم تشبیه شده است. / معنی بیت: خورشید مانند یک زندانی که با ترس و احتیاط قصد دارد که نگهبان را بپاید تا از دست او بگریزد، گاه‌گاه از میان ابر تیره روی می‌نماید و ظاهر می‌شود.

دوپینگ: رایج‌ترین ادات تشبیه عبارت است از:

آثار	فام	بسان	چون (چو، همچون)	گون (گونه)	مثل
آسا	فش	برسان	چونان (همچونان)	گو	عین
سار	وار	به‌کردار	رنگ	گویی	مانستن
سان	وش	به صورت	شبه	گفتی	چنان
آنه	گون (گونه)	به شیوه	شکل	پنداری	صفت
ین	انه	ماناک	مانا	انگار	پنداری

تشبیه مرجَح (تفضیل): در تشبیه تفضیلی، سخنور برای نوکردن و آراستن تشبیه، مشبه را به شیوه‌ای بر مشبه‌به برتری می‌دهد.

مثال شعری (۱): «خورشید هیچ‌کاره بود در دیار تو / این عرصه بیش جلوه‌گه یک سوار نیست»

توضیح: شاعر، معشوق (مشبه) را به خورشید (مشبه‌به) تشبیه کرده و از آن برتر می‌داند.

مثال شعری (۲): «ای که زلف سیاهات بر گل روی آشفته است / ز آتش روی تو آب گل سوری رفته است»

توضیح: شاعر، چهره معشوق (مشبه) را به گل سوری (مشبه‌به) تشبیه کرده و از آن برتر می‌داند.



کدام بیت فاقد تشبیه است؟

- (۱) لعلش به شکرخنده خود اعجاز مسیح است
 - (۲) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است
 - (۳) آسمانا شب وصل است و می و منزل امن
 - (۴) ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست
- رویش به تجلی ید بیضای کلیم است
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما
چه شود گر نکنی ساز سحر ساز امشب
سهی قدان سیه چشم ماه سیما را؟

در کدام بیت مشبه به حذف شده است؟

- (۱) آن سرو که گویند به بالای تو باشد
 - (۲) غلام قامت آن لعبتم که بر قد او
 - (۳) ز رشک لاله رویش سمن بر خاک بنشیند
 - (۴) باور که کند که آدمی را
- هرگز به چنین قامت و رفتار نباشد
بریده اند لطافت چو جامه بر بدنش
ز شرم سنبل زلفش بنفشه سوگوار افتد
خورشید بر آید از گریبان؟

در کدام بیت بیشترین ادات تشبیه دیده می شود؟

- (۱) چو ماه روی تو در شام زلف می دیدم
 - (۲) ماه رویا دهن غنچه ووش خوش سخنت
 - (۳) چون قامت کمان صفت از غم خمیده دید
 - (۴) چون جان تو شد در هوا ز افسانه شیرین ما
- شیم به روی تو روشن چو روز می گردید
چون شود خنده زنان پسته شکرشکن است
چون تیر ناگهان ز کنارم بجست یار
فانی شو و چون عاشقان افسانه شو افسانه شو

کدام بیت دارای اضافه تشبیهی است؟

- (۱) بیا آن آب آتش رنگ در ده
 - (۲) میانش یک سر مو در میان نیست
 - (۳) شنیدم کان صنم با ما چنان نیست
 - (۴) چو مرغی زیرک آمد جان خواجو
- که گر خود آتش است آتش نشان است
ولیکن یک سر مویش دهان است
ولیکن چون نظر کردم چنان است
که او را دام زلفت آشیان است



ترکیب «لب لعل» در همه ابیات اضافه تشبیهی است؛ به جز:

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) ای لب لعل تو مهر لب شیرین سخنان | گوی چوگان خم زلف تو سیمین ذقنان |
| (۲) لب لعلش نتوانست که لب را بستیزد | ز همین رو حجری شرمزده گشت و اسفناک |
| (۳) غنچه را دور از لب لعلت دل از گلشن گرفت | بی رخت گل گونه از رخسار زرد من گرفت |
| (۴) سبزه نارس چه سان آید برون از زیر سنگ؟ | از لب لعلش برون آید به آن تمکین سخن؟ |

تعداد تشبیه مقابل کدام بیت اشتباه است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) از رشک آفتاب جمالت بر آسمان | هر ماه، ماه دیدم چون ابروان توست (۲) |
| (۲) آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمدست | یا ملک در صورت مردم به گفتار آمدست (۲) |
| (۳) آن خون کسی ریخته‌ای یا می سرخ است | یا توت سیاه است که بر جامه چکیده‌ست (۲) |
| (۴) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن | در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت (۲) |

در کدام بیت، تعداد «تشبیه» بیشتر است؟

- | | |
|---|--|
| (۱) دیدنم نادیدنی، مدّ نگاهم آه بود | در شبستان جهان تا چشم بگشودم چو شمع |
| (۲) در بساط من ز عنقای سبک پرواز عمر | خواب سنگینی چو کوه قاف بر جا مانده است |
| (۳) سرشک من که ز طوفان نوح دست برد | ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شست |
| (۴) هر کاو شراب عشق نخورده‌ست و دُرد دُرد | آن است کز حیات جهانش نصیب نیست |

در همه ابیات به استثنای بیت ... هر دو نوع تشبیه «گسترده و فشرده» یافت می‌شود.

- | | |
|--|---|
| (۱) خطّ و لب دلکشت، طوطی و شکرستان | زلف و رخ مهوش، تیره شب و ماهتاب |
| (۲) ای که از باغ رسالت چو تو شمشاد نخاست | کار اسلام ز بالای بلندت بالاست |
| (۳) احتیاجت به چمن نیست که بر سرو قدت | گل دمیده است و همه ساله بهار اشکفته است |
| (۴) تا کند مرغ دلم را چون کبوتر پای‌بند | بر کنار دانه دام از مشک ناب انداخته است |



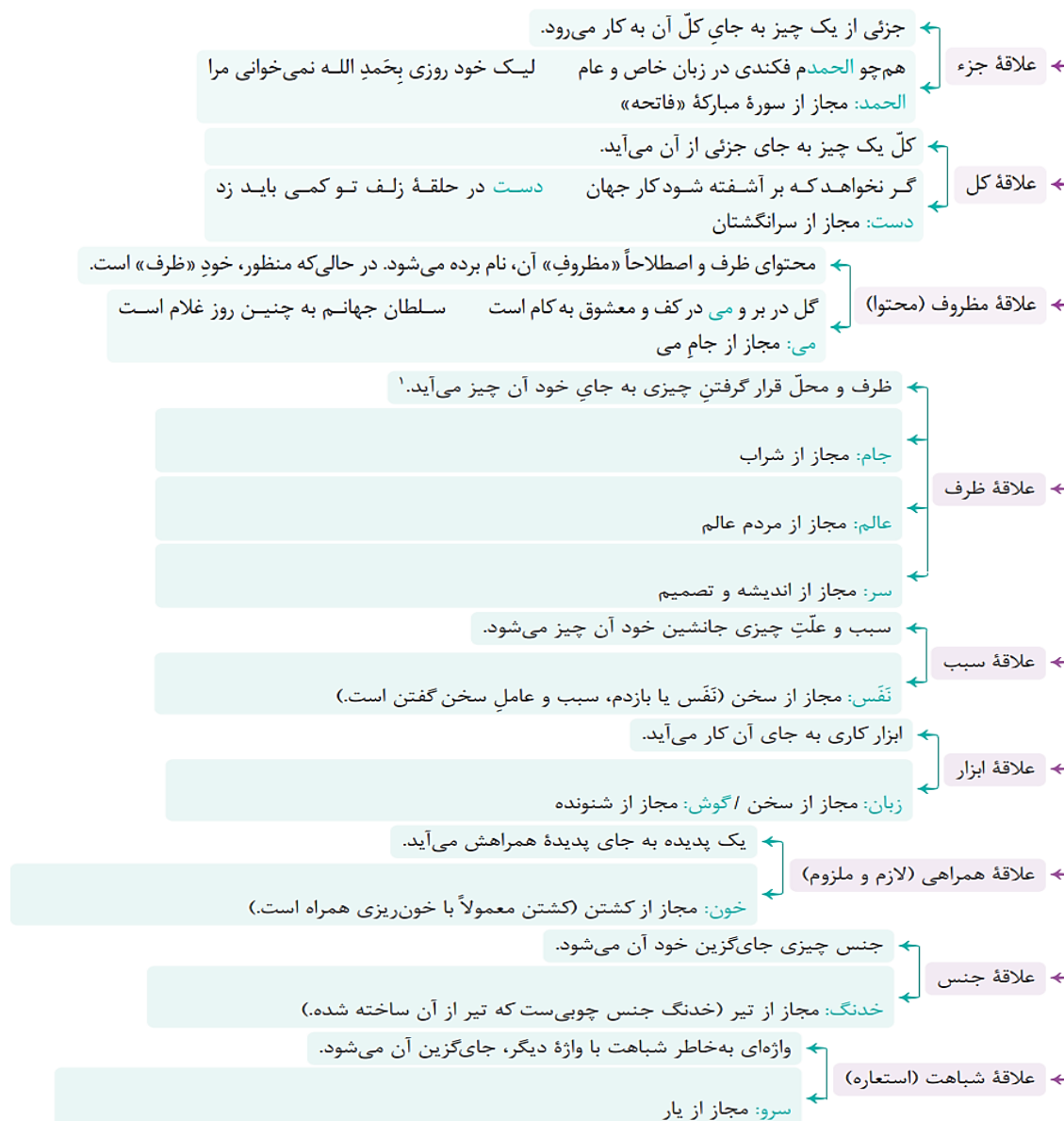
مجاز: به کار بردن واژه است در معنی غیرحقیقی خودش. برای جا افتادن مجاز، یکی دو تا مثال بزنیم. مثلاً پیش آمده که بگویی «دستم را بریدم» و منظورت تنها بریدن بخش کوچکی از یک انگشت باشد. این را می گویند «مجاز»؛ یا مثلاً وقتی شاعر میگوید «جام را نوشید» و منظورش محتویات داخل جام است، می گویم جام «مجاز» از «شراب» است.

برای درک مجاز باید دو موضوع را در نظر بگیریم: اول این که، میان معنی حقیقی واژه و معنی غیرحقیقی باید رابطه‌ای وجود داشته باشد که ذهن ما بتواند به معنی مجازی پی ببرد. به این رابطه، در اصطلاح، «علاقه» یا «پیوند» می‌گوییم. مثلاً در همان مثال «جام را نوشید»، که منظور از آن «شراب را نوشید» است، رابطه و اصطلاحاً «علاقه» بین جام و باده، از نوع «ظرف و مظروف» است. دوم این که، باید نشانه‌ای یا نشانه‌هایی در جمله یا بیت باشد که ذهنمان را از معنی حقیقی کلمه دور کند و با توجه به آن، برای واژه معنی غیرحقیقی (مجازی) را در نظر بگیریم. به این نشانه، در اصطلاح «قرینه» می‌گوییم. باز مثلاً در همان مثال «جام را نوشید»، که منظور از آن «شراب را نوشید» است، نشانه و اصطلاحاً «قرینه‌ای» که نشان می‌دهد «جام» معنی حقیقی خودش را ندارد، «نوشیدن» است، چون جام را نمی‌شود نوشید.

دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

تو و نوشیدن **پیمان** و خشنودی دل / من و خاک در میخانه و بدنامی‌ها

علاقه‌های پرکاربرد





دوپینگ: گاهی واژه‌ای را «به علاقه شباهت» به جای واژه دیگر به کار می‌برند. این همان استعاره است! بنابراین، استعاره را هم نوعی مجاز در نظر می‌گیریم، مجازی با علاقه شباهت. این نوع مجاز، مهم ترین کاربرد مجاز است.

در کدام بیت، آرایه «مجاز» مشهود است؟

- (۱) که پور فریدون نیای من است
 - (۲) وگر در قبض انگشتان همی پولاد چینی را
 - (۳) لفظ چون از بیت خود بیرون نشست
 - (۴) نه آبروی که گر خون دل بخواهی ریخت
- همه شهر ایران سرای من است
چو موم تفته بگسستی همی داود پیغمبر
گوهر مضمون به جیب خود شکست
مخالفت نکنم آن کنم که فرمان است

کدام بیت فاقد مجاز است؟

- (۱) خوردیم زخم‌ها که نه خون آمد و نه آه
 - (۲) دلم صد بار می‌گوید که چشم از فتنه برهم نه
 - (۳) برآشفت عابد که خاموش باش
 - (۴) دفتر فکرت بشوی گفته سعدی بگوی
- وه این چه نیش بود که تا استخوان برفت
دگر ره دیده می‌افتد بر آن بالای فتانم
تو مرد زبان نیستی، گوش باش
دامن گوهر بیار بر سر مجلس ببار

در کدام گزینه، مجاز به علاقه شباهت دیده می‌شود؟

- (۱) تا سراسیمه آن طره پیچان نشوی
 - (۲) پس از هلاک به خاکم بیا که می‌ترسم
 - (۳) دردا که کشت ما را شیرین لبی که می‌گفت
 - (۴) نه همین لاله به دل داغ تو دارد ای گل
- آگه از حالت هر بی‌سروسامان نشوی
علی الصباح جزا عذرخواه من باشی
من داده‌ام به عیسی انفاس جان‌فزا را
داغ سودای رخت بر جگری نیست که نیست

کدام بیت بیشترین مجاز را دارد؟

- (۱) آب و رنگی کز چمن می‌بینم اکنون دور نیست
 - (۲) در چمن بر سر خاکم گذری کن صنما
 - (۳) گفتم از تو بر دلم هر دم کم از صد غم مباد
 - (۴) عالمی در گفت‌وگوی «اوحدی» زان رفته‌اند
- گر بگویم نیست فصل گل، مگر فصل خزان
که من مرده دیروز، شوم زنده فردا
زیر لب خندید و گفتا: بیش باد و کم مباد
کو شب و روز اندرین عالم، به گفت‌وگوی توست



استعاره: کاربرد واژه‌های به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در - دست کم - یک ویژگی یا صفت مشترک است؛ پس اگر در تشبیهی یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را در متن بیاوریم و منظورمان طرف دیگر تشبیه باشد، آرایه «استعاره» پدید می‌آید. با توجه به این، دو نوع استعاره می‌توان داشت: استعاره با ذکر مشبه (و حذف مشبه‌به) و استعاره با ذکر مشبه‌به (و حذف مشبه). استعاره را از این نظر که از میان دو رکن اصلی (مشبه و مشبه‌به)، رکن اول (مشبه) حذف شده باشد یا رکن دوم (مشبه‌به)، به ترتیب «استعاره مصرحه یا آشکار» و «استعاره مکنیه یا پنهان» نام گذاشته‌اند.

۱. استعاره مصرحه: در این نوع استعاره، فقط «مشبه‌به» می‌آید و «مشبه» حذف می‌شود و مخاطب با توجه به نشانه‌ها و قرینه‌هایی که در جمله یا متن وجود دارد، به وجود مشبه محذوف (حذف‌شده) پی می‌برد؛ در این استعاره، در حقیقت، «مشبه‌به»، جانشین «مشبه» می‌شود.

سرو چون قد خرامان تو نیست / لعل چون **پسته** خندان تو نیست

ای **گل** تازه که بویی ز وفا نیست تو را / خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

دوپینگ: در استعاره مصرحه (آشکار) نباید خود «مشبه» به هیچ عنوان وجود داشته باشد؛ حتی در قالب یک فعل اسنادی و حتی در قالب یک «نهاد پنهان» در یک فعل امر! حضور کوچک‌ترین نشانه‌ای به عنوان «مشبه» به این معنی است که هنوز «تشبیه» وجود دارد و به «استعاره» تبدیل نشده.

دوپینگ: ملاک شناسایی استعاره مصرحه (آشکار) محدوده جمله است؛ یعنی اگر در بیرون از جمله، در جمله‌های قبل یا بعد، به مشبه اشاره شده باشد، منافاتی با استعاره بودن ندارد.

۲. استعاره مکنیه: این نوع استعاره با استعاره نوع اول کاملاً متفاوت است. این‌جا «مشبه» ذکر می‌شود و «مشبه‌به» حذف می‌شود، به شرطی که ویژگی، عملکرد، صفت یا عضوی از مشبه‌به حذف‌شده آورده شود.

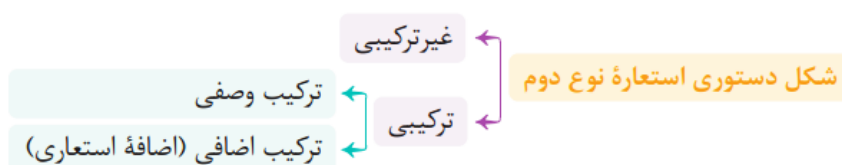
مهرش به جان **می‌کاشتم** تا بر دهد مهر و وفا / دردش به دل می‌داشتم گاخر دواي من شود

تو را ز **کنگره عرش** می‌زنند صفیر / ندانمت که در این دامگه چه افتاده‌ست

تشخیص (جان‌بخشی): در استعاره نوع دوم اگر مشبه‌به محذوف (حذف‌شده) انسان باشد، به آن تشخیص (جان‌بخشی) هم گفته می‌شود؛ بنابراین، «تشخیص» گونه‌ای استعاره است. تشخیص، شکل‌های مختلفی دارد که همه آن‌ها زیرمجموعه استعاره مکنیه‌اند. در واقع، هر تشخیصی استعاره مکنیه است، اما هر استعاره مکنیه‌ای تشخیص نیست!

به گوش من، **سخنی گفت** دوش **باد صبا** / من از شنیدن آن، گشته‌ام ز خود بیزار

نسبت دادن ویژگی مشبه‌به محذوف به مشبه، معمولاً به دو شکل اتفاق می‌افتد:





الف) غیر ترکیبی: در این شکل، شاعر، فعل، ویژگی، عملکرد، صفت یا عضوی از مشبه به حذف شده را به وسیله فعل، به مشبه نسبت می‌دهد یا این که مشبه را مورد خطاب قرار می‌دهد که آن هم، در واقع کارکرد فعلی دارد.

سبزه‌ها میدمد و آب روان می‌آید / **ابر** چون دیده من **گریه‌کنان** می‌آید

ب) ترکیبی: در این شکل، شاعر در قالب یک ترکیب وصفی یا اضافی، صفت یا اسمی را که متعلق به مشبه به محذوف است، به مشبه نسبت می‌دهد.

*** ترکیب وصفی:** در این نوع، یکی از صفت‌های مشبه به، به مشبه نسبت داده می‌شود.

چو تیر غمزه **خون‌ریز** در کمان آرد / دل شکسته صاحب‌دلان نشانه کند

*** ترکیب اضافی (اضافه استعاری):** در این نوع، مشبه با یک کسره اضافه به ویژگی، عملکرد، یا عضوی از مشبه به حذف شده متصل می‌شود که در اصطلاح به آن «اضافه استعاری» می‌گوییم.

در **کام صدف** تلخ کند آب گهر را / حرفی که از آن لعل شکر بار برآید

دوپینگ: در اضافه‌های استعاری از آن جا که «مشبه» به ویژگی، عملکرد، یا عضوی از مشبه به حذف شده اضافه می‌شود، می‌شود گفت: «در اضافه استعاری همیشه واژه دوم به چیزی تشبیه شده که واژه اول متعلق به آن است»

اضافه استعاری

دست مرگ: مرگ مانند انسانی است که دست دارد.	چنگال غرور: غرور مانند حیوانی است که چنگال دارد.
سینه کویر: کویر مانند انسانی است که سینه دارد.	آغوش خوش‌بختی: خوش‌بختی مانند انسانی است که آغوش دارد.
چشم آسمان: آسمان مانند انسانی است که چشم دارد.	خشم روزگار: روزگار مانند انسانی است که خشم دارد (خشمگین می‌شود).
خنده گل: گل مانند انسانی است که خنده دارد (می‌خندد).	گریه ابر: ابر مانند انسانی است که گریه دارد (می‌گرید).



هر دو نوع استعاره در بیت گزینه ... یافت می شود.

(۱) ماهی که نموده است ز رخسار شفق رنگ

(۲) هرشب از شرم گلستان جمالت صنما

(۳) چهرهات رنگ ز گلدسته مینا دارد

(۴) گشته تن لاله داغ از تن چون آذرش

در کدام بیت، نوع استعاره با سایرین فرق دارد؟

(۱) چه جویی همی زین سرای سپنج

(۲) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

(۳) ای هدهد صبا به سبا می فرستمت

(۴) کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

در کدام گزینه، آرایه تشخیص دیده می شود؟

(۱) سوزی که مرا بر جگر از آتش عشق است

(۲) چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی؟!

(۳) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است

(۴) از حیای لب شیرین تو ای چشمه نوش!

کدام بیت فاقد استعاره و دارای تشبیه است؟

(۱) چه وصف غنچه گویم با وجود آن دهان کو را

(۲) هر شب روم با چشم تر آن جا که بود آن سیمبر

(۳) گفتم آباد توان ساخت دلم را گفتا

(۴) می فروشان آن چه از صهبای گلگون کرده اند

خون در دل خورشید جهان تاب، همین است

آب از چهره خورشید و قمر می ریزد

غنچهات درس تبسم ز مسیحا دارد

کرده دل نافه خون موی چو قطران او

کز آغاز رنج است و فرجام رنج

تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس

بنگر که از کجا به کجا می فرستمت

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

جز شربت مرگش نبود هیچ دواپی

دل و جان فدای رویت، بنما عذار ما را

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست

اگر بودی زبانی وصف آن شیرین دهن گفתי

گرچه از او نبود اثر، باری ببینم جای او

حسن این خانه همین است که ویران ماند

شاهدان شهر ما از لعل میگون کرده اند



تعداد استعاره در کدام بیت بیش‌تر است؟

- (۱) کند کوتاه دست از زلف و از لعل شکرخندش
- (۲) حلوای نبات است لب‌ت پسته‌دهانا
- (۳) دسته‌دسته سنبل گل‌بوی نسرین‌پوش را
- (۴) چون مه مهربان من تاب دهد نغوله را

کدام بیت زیر، فاقد آرایه تشخیص است؟

- (۱) ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست
- (۲) نقاب شرم چو لاله ز روی بردارند
- (۳) مرید پیرمغانم ز من مرنج ای شیخ
- (۴) ای چرخ فلک خرابی از کینه‌توست

تعداد استعاره در کدام بیت، کمتر است؟

- (۱) حقه یاقوت لؤلؤپوش گوهرپاش تو
- (۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
- (۳) در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
- (۴) چون عقیق گوهرافشان تو می‌آرم به یاد

کدام بیت بیشترین استعاره را دارد؟

- (۱) گل‌های سرفکنده در این باغ روز و شب
- (۲) دام زلفت بند بر پای دل و دین می‌نهد
- (۳) ز گریه ابر سیه می‌شود سفید آخر
- (۴) به پای همّت بر فرق آفتاب خرام

- نداند کاین دو هندو پاسبانانند قندش را
در باغ گلی نیست به رخسار تو مانا
دسته بسته بر کنار لاله‌زار انداخته
در خم عقربش نگر زهره شب‌نقاب را (نغوله: زلف)

- بی باده گلرنگ نمی‌شاید زیست
چو ماه و مهر سر و روی در نقاب کنند
چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد
بیدادگری شیوه دیرینه‌توست

- رسته لعلم ز چشم درنثار انداخته
نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
چشم دریادل من لؤلؤ لالا می‌ریخت
در دمم سیم مذاب از دیده بر زر می‌چکد

- اندوه آن دو سنبل شب‌رنگ می‌خورند
دست حسنت حلقه در گوش مه و خور می‌کشد
بس است اشک ندامت سیاه‌کاران را
به چشم نعمت در روی روزگار نگر



کنایه: واژه یا عبارتی است با دو معنی؛ یکی معنی ظاهری و نزدیک، که از ظاهر واژه و عبارت فهمیده می‌شود و این معنی، مورد نظر گوینده نیست؛ دیگری، معنی باطنی و دور، که منظور گوینده در واقع، همان است. مانند دسته گل به آب دادن (اشتباه کردن)، دست و پا گم کردن (هول شدن)، بر باد رفتن (نابود شدن)

فریاد که دستم نگرفتند و به یکبار / از پای فکندند من بی سر و پا را

دست کسی را گرفتن: کنایه از یاری رساندن به او / از پای فکندن: کنایه از شکست دادن و نابود کردن / بی سر و پا بودن: کنایه از بیارزش بودن

بوی زلفت پا فشرد و دل ز دست من گرفت / جای یادت را ز کف دادم، بین احوال چیست؟

پا فشردن: کنایه از اصرار کردن / دل از دست کسی گرفتن (دل بردن): کنایه از شیفته و عاشق کردن / چیزی را ز کف دادن: کنایه از بی‌نصیب شدن از آن

دوپینگ: معنی کنایه را از روی فضایی که گوینده ترسیم می‌کند و اصطلاحاً با توجه به «عناصر و اجزای کلام و بافت سخن» می‌شود فهمید. بعضی کنایه‌ها در بیت‌ها و عبارت‌های مختلف، معانی مختلف دارند. مثلاً «روی‌زرد بودن» در جملات مختلف می‌تواند کنایه از ضعف و بیماری و دردمندی، شرم یا ترس باشد.

باز می‌گشتند سوی شهریار / پر ز گرد و روی‌زرد و شرمسار

ای که می‌گویی نداری شاهی بر درد عشق / جان غم‌پرورد و آه‌سرد و روی‌زرد چیست

دوپینگ: کنایه معمولاً یک جمله یا عبارت فعلی است و به هر حال، ساختار و پیشینه «فعلی» دارد و معمولاً «بن فعل» در شکل‌گیری آن نقش داشته است: بر باد رفتن؛ با این حال، کنایه می‌تواند در یک واژه هم، شکل گرفته باشد، به شرطی که بتوان آن را به یک عبارت فعلی تفسیر کرد: بر باد رفته

تفاوت کنایه و مجاز: در مجاز، فقط یکی از «دو سوی معنی»، درست است؛ اما در کنایه، هر دو شکل کلام می‌تواند درست باشد. یعنی علاوه بر معنی کنایی، معنی ظاهری را هم می‌توان در ذهن، تصور کرد؛ مثلاً وقتی برای اشاره به معشوقی که عاشقان خود را می‌کشد، می‌گوییم: «خون عاشقان را می‌ریزد»، علاوه بر معنی کنایی «کشتن» می‌توان معنی ظاهری کلمات یعنی «خون ریختن» را هم تصور کرد (گرچه معنی درست‌تر و کامل‌تر همان کشتن است). بسیاری از کنایه‌ها این‌طورند. اما وقتی می‌گوییم «جام را نوشید»، «جام» مجازاً به جای «شراب» به کار رفته و منظور از جام، فقط و فقط شراب است که درون جام قرار گرفته، نه خود جام. (نمی‌توانیم تصور کنیم که کسی خود جام را بنوشد.)

تفاوت کنایه و استعاره: کنایه یک «عبارت» یا «ترکیب» است یا «واژه‌ای» است که قابلیت تبدیل شدن به یک «عبارت» را دارد؛ اما استعاره فقط یک «واژه» است.



کدام بیت فاقد کنایه است؟

- (۱) همیشه تشنه لب خون ما بود بیدل
- (۲) روی سرخ خویش را کرد از تهی مغزی سیاه
- (۳) مرگ چون موی برآرد ز خمیرت آسان
- (۴) ای دل تو ز هیچ خلق یاری مطلب
- چو شیشه هر که به دست آورد دل ما را
- چون عقیق ساده دل هر کس که صاحب نام شد
- گر چو جوهر به رگ و ریشه فولاد روی
- وز شاخ برهنه سایه داری مطلب

در کدام بیت هر دو آرایه «کنایه و تشبیه» به کار رفته است؟

- (۱) جمال گل گواه آمد که بخشش ها ز شاه آمد
- (۲) عاشقان را گر به آتش می پسندد لطف دوست
- (۳) ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
- (۴) نگه محو جمال اوست اما چشم آن دارم
- اگرچه گل بنشناسد هوای سازواری را
- تنگ چشمم گر نظر در چشمه کوثر کنم
- ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما
- که دل هم قطره اشکی گردد و بر چشم تر پیچد

در کدام بیت، هر سه آرایه «مجاز، کنایه و تشبیه» یافت می شود؟

- (۱) سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم
- (۲) پند من بشنو به جز با نفس شوم بدسرشت
- (۳) کس مبادا به سیه روزی ما در ره عشق
- (۴) غلطنماست متاع فلک، به هوش! که گردون
- وزین درخت همین میوه غم است برم
- با همه عالم مدارا کن، کمال این است و بس
- که فلک تیره شد از تیرگی کوكب ما
- به ما جوی نفروشد که گندمی ننماید

در کدام بیت، وجه شبه دارای کنایه است؟

- (۱) چشم عبرت باز کن گردید چون موی سفید
- (۲) کمند است گیسوش هم رنگ قیر
- (۳) بر زمین از ناز زلف او چو دامان می کشد
- (۴) چند از آمیزش دریای وحدت چون حباب
- مگذران در خواب غفلت این شب مهتاب را
- همی آید از دو لبش بوی شیر
- بوی پیراهن سر خود در گریبان می کشد
- پرده دار چشم کوته بین نفس باشد تو را



مرور مطالب

نوع استعاره در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) بیهوده بر آزار من ای سرو بلند
 - (۲) زلف و رخسارت شبستان است و شمع
 - (۳) از پای تا به سر همه عشقت شدم چنانک
 - (۴) طواف بر سر کوی تو می‌کنم به صفا
- در کدام بیت، کلمه «سنبل» استعاره دارد؟

- (۱) در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
- (۲) چمن شد تازه چون مینو صبا شد دلکش و خوشبو
- (۳) جعد سنبل چون شکن گیرد ز باد صبحدم
- (۴) سنبل نشانده بر گل سوری نگه کنید

کدام گزینه دارای تشبیه گسترده و هر دو نوع استعاره است؟

- (۱) چون مه پرده‌سرا چنگ به بر درگیرد
- (۲) بر سرم سرزنش تیغ حوادث نبود
- (۳) تا کند خون من از ساغر خون‌خوار طلب
- (۴) همچو شمعم برود آب رخ از آتش دل



در کدام بیت، همه انواع آرایه‌های علم بیان مشهود است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| (۱) ما به دامان تو نازیم که پاک است چو گل | ورنه در شهر بسی لعبت بازاری هست |
| (۲) ماهی و مرغ دوش ز افغان من نخفت | آن شوخ دیده بین که سر از خاک بر نکرد |
| (۳) ما عاشقیم و روی بتان قبله‌گاه ماست | بر جرم عاشقی همه عالم گواه ماست |
| (۴) صد میکده خون به ساغر دل | زان لعل کرشمه‌زاست ما را |

نوع تشبیه به کار رفته در مصراع زیر، با تشبیه مذکور در کدام ابیات مشابه است؟

«یوسف خصال گاه به چاه افتاده‌ایم»

- | | |
|--|------------------------------------|
| (الف) این مه است یا سیما لا اله الا الله | این قد است یا طوبی لا اله الا الله |
| (ب) ترک چشم خون‌ریزش گاه مستی و شوخی | جان و دل کند یغما لا اله الا الله |
| (ج) طاق ابرو ار وقتی خوش به خلق بنماید | پارسا شود ترس لا اله الا الله |
| (د) عارضش بود گلگون قامتش بود موزون | زین دو خلق شد شیدا لا اله الا الله |
- (۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - ج (۴) ب - د

آرایه‌های ذکر شده در مقابل همه گزینه‌ها «کاملاً» درست است؛ به جز:

- | | |
|--|--|
| (۱) ناله بالی می‌زند دیگر می‌پرس از حال دل | رشته در خون می‌تپد گوهر نمی‌دانم چه شد (استعاره، جناس) |
| (۲) از قناعت خاک باید کرد در انبان حرص | آبرو تا کی شود صرف خمیر نان حرص (مجاز، واج‌آرایی) |
| (۳) هر سری کز فکر ابروی کج‌ت گردید خم | از گریبان غوطه زد در حلقه گرداب تیغ (کنایه، تشبیه) |
| (۴) طرز طرب دلگشاست نشئه ترنم‌نماست | مطرب ما ترصد است شیشه غزل‌خوان کنیم (تشخیص، سجع) |

در کدام گزینه، آرایه‌های مقابل بیت درست نوشته شده است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) ای آتش سودای تو خون کرده جگرها | بر باد شده در سر سودای تو سرها (اضافه استعاری، کنایه) |
| (۲) روز رخسار تو ماهی روشن است | خال هندویت سیاهی روشن است (تشخیص، تشبیه فشرده) |
| (۳) چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان | همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست (تشبیه، کنایه) |
| (۴) منم ای نگار و چشمی که در انتظار رویت | همه شب نخفت مسکین و بخفت مرغ و ماهی (استعاره، مجاز) |



بیت کدام گزینه فاقد «تشبیه» و دارای «مجاز» است؟

- (۱) همه شب تا به سحر از غم رویت شادیم
 - (۲) اگر روزی به دست آرم سر زلف نگارم را
 - (۳) از بناگوش و خط سبز تو بس در عجبم
 - (۴) مسلم است بر آن شمع‌ها سرافرازی
- به امیدی که بیایی تو به غم‌خواری ما
شمارم موبه‌مو شرح غم شب‌های تارم را
کز کجا برگ گلی مشک تر آورده برون
که زندگانی خود را به انجمن بخشند

نوع استعاره در کدام بیت مطابق با سروده زیر است؟

«به هر چه می‌نگرم / سقوط سنگ از کوه / به سقف رؤیاهاست»

- (۱) برو ای عقل نگو عشق چرا کرد چنین
 - (۲) فلک جز عشق محرابی ندارد
 - (۳) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد
 - (۴) چون بلبلم در باغ دل ننگ‌است اگر جفدی کنم
- پادشاه است و بر او چون و چرایی نرسد
جهان بی‌خاک عشق آبی ندارد
فرو شد تا برآمد یک گل زرد
چون گلبنم در گلشنش حیف است اگر خاری کنم

در چند بیت زیر، آرایه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- الف) می‌توان اسباب مجلس را قیاس از شمع کرد
 - ب) خضر ازین سرچشمه عمر جاودانی یافته‌است
 - پ) خرده انجم ندارد رونقی در کوی صبح
 - ت) در تو تأثیر از دل تاریک نبود آه را
 - ث) چشم حیرت بس که بر روی عرفناک تو دوخت
- آفتاب گرم‌رو شمع است از ایوان صبح
ساغری بستان ز دست چشمه حیوان صبح
مهره خورشید شایسته‌است بر بازوی صبح
ورنه می‌گردد سفید از آه سردی موی صبح
زنگ بست آیینۀ خورشید بر زانوی صبح

(۴) سه

(۳) چهار

(۲) یک

(۱) دو



مراعات نظیر: آوردن دو یا چند واژه از یک مجموعه که با هم ارتباط معنایی یا کاربردی داشته باشند. این تناسب می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی و موارد دیگر باشد.

کشتی ما چون **صدف** در دامن **ساحل** شکست / وقت **موجی** خوش که در آغوش **دریا** بشکند

دوپینگ: نام «مراعات نظیر» و «تناسب» هیچ تفاوتی با هم ندارند و هرچه جز این خوانده‌ای یا شنیده‌ای فراموش کن. مراعات و تناسب همیشه و همه جا به معنی همدیگر به کار رفته‌اند و در آزمون‌ها تا دلت بخواهد نمونه دارند.

دوپینگ: گاهی در آزمون‌ها میان «اندام و عملکردشان»، «صفت‌های مترادف» و «افعال هم‌معنی» مراعات نظیر در نظر گرفته شده است.

باز کن **چشم** تا **بینی** دوست / چون **بدیدی** دگر فراز مکن

تلمیح: در لغت به معنی «اشاره کردن با گوشه چشم» است و در اصطلاح ادبی به اشاره کردن به آیه، حدیث، مثل، داستان، افسانه، واقعه تاریخی و مانند این‌ها در شعر و نثر گفته می‌شود. تلمیح، گنجاندن یک مفهوم مفصل در یک سخن کوتاه است و در واقع معانی بسیاری را در کمترین واژه‌ها جا می‌دهد و این گزیده‌گویی و ایجاز از نظر هنری بسیار مهم و قابل توجه است.

غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد / خواندم افسانه شیرین و به خوابش کردم

دوپینگ: تلمیح همیشه شامل نام پیامبر و عاشق و معشوق و شخصیت تاریخی و کلیدواژه‌های پررنگ نیست، بلکه ممکن است تنها، عنصری و کلمه‌ای در بیت، اشارهای ضمنی و مختصر به یک موضوع تلمیحی داشته باشد. این موارد می‌توانند بسیار غلط‌انداز باشند و توجه به آنها برای تعیین همه مصادیق آرایه تلمیح، اهمیت ویژه دارد.

دوپینگ: لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح و در نتیجه لذت‌بردن از این آرایه، آشنایی مخاطب با آن داستان و واقعه و آیه و حدیث است.

مهم‌ترین روایات مذهبی و موضوعات مطرح در آن‌ها:

- **حضرت محمد (ص)** و معراج و جبرئیل و شق القمر و جنگ‌ها و ستایش‌شدن در قرآن و آمدن نام ایشان در کنار نام خداوند در قرآن و نیز سوگند خوردن خداوند به نام آن حضرت در قرآن
- **حضرت علی (ع)** و نبردهای ایشان و قضیه جنگ خندق و رفتار حضرت با عمرو بن عبدود / بخشیدن انگشتری در رکوع نماز
- **حضرت آدم (ع)** و حوا و شیطان و خوردن گندم و رانده شدن از بهشت
- **حضرت موسی (ع)** و هارون (ع) و کوه طور و سامری و فرعون و ید بیضا و نیل و عصا
- **حضرت عیسی (ع)** و حضرت مریم (س) و دم مسیحایی مسیح (ع)
- **حضرت یوسف (ع)** و حضرت یعقوب (ع) و نابینایی و دوری از پدر و در چاه افتادن و دشمنی برادران و عزیز مصر و ماجرای زلیخا و زنان مصر
- **حضرت سلیمان (ع)** و هدهد و سرزمین سبا و این که باد به فرمان ایشان بود و دانستن زبان حیوانات و ماجرای انگشتر



- حضرت داوود (ع) و آواز خوش او و کتاب ایشان به نام «زبور»
 - حضرت صالح (ع) و بیرون آوردن شتر از کوه که معجزه ایشان بود.
 - حضرت ابراهیم (ع) و پرورش ایشان در کودکی در غار و بت شکنی آن حضرت و گلستان شدن آتش نمرود بر ایشان
 - حضرت ایوب (ع) و صبر بی نظیر ایشان بر انواع بلاها و مصیبت‌ها
 - حضرت خضر (ع) و ظلمات و آب حیات و عمر جاودانه ایشان
- شخصیت‌های تاریخی:** همه شاهان، فرمانروایان، شخصیت‌های معروف و داستان‌های مربوط به آنها؛ مانند اسکندر و جهان‌گشایاش و آب حیات و آینه اسکندری؛ انوشیروان و عدالتی که به او نسبت میدادند؛ حلاج و روایت کشته شدن او؛ فرعون و دقیانوس و مانند این‌ها.
- داستان‌های حماسی:** رستم و هفت خان او، زال و سهراب و سیاوش، اسفندیار و هفت خان او، بیژن و منیژه، جمشید و سلطنت بی نظیر و جام جهان‌نمای او، ضحاک و فریدون و قیام کاوه و مانند این‌ها.
- داستان‌های عاشقانه:** لیلی و مجنون، شیرین و شکر و خسرو و فرهاد، ویس و رامین، وامق و عذرا، مهر و وفا و مانند این‌ها.
- اشاره به ضرب‌المثل‌ها:** یکی از نمونه‌های آرایه تلمیح است. با این استدلال که متن ضرب‌المثل، از قبل، خارج از نوشته شاعر وجود دارد و شاعر با دادن سر‌نخ‌هایی توجه مخاطب را به آن جلب می‌کند.

تضمین: در لغت به معنی «ضمانت کردن و متعهد شدن به انجام کاری» است. در اصطلاح ادبی، به آوردن آیه، حدیث، مصراع، بیت یا سخن دیگری در کلام می‌گوییم. در تضمین شعر یا سخن دیگران، گاهی وقت‌ها به نام شاعر و نویسنده اشاره می‌شود و گاهی هم نام او به دلیل شهرت و شناخته شده بودن نمی‌آید. تضمین کمک می‌کند تا شاعر منظور خودش را بهتر بیان کند و همچنین، تسلط خود را نسبت به مفهومی که بیان می‌کند، در آیه و حدیث و شعر شاعری دیگر، به خوبی نشان بدهد.

چه خوش گفت فردوسی پاک‌زاد / که رحمت بر آن تربت پاک باد:

میازار موری که دانه‌کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است

توضیح: سعدی در این شعر بیتی از فردوسی را تضمین کرده است.

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوریسرشت / شیوه جنات تجری تحتها الأنهار داشت

توضیح: شاعر در این بیت بخشی از آیه هشتم سوره البینه را ضمن سخن خود آورده است.

تا دیده اعمی را بیهوده نرنجانی / لا تدرکه الابصار از سوره مصحف خوان

توضیح: بخش مشخص شده، بخشی از آیه ۱۰۳ سوره مبارکه «انعام» است که شاعر آن را در شعر خود «تضمین» کرده است.



در چند بیت، «تشبیه و تلمیح» مشهود است؟
 الف) تنها نه منم مست ز خم‌خانه عشقت
 ب) اگر عکس رخ و بوی سر زلفت نبودندی
 ج) ما بی‌خودیم و مدعیان‌اند بی‌خبر
 د) لب‌های تو خضر اگر بدیدی
 هـ) پاره گرداند زلیخای صبا
 (۱) یک (۲) دو

کز جرعه جامش در و دیوار خراب است
 که بنمودی شب دیجور نور از طور موسی را
 زان می که داده‌است به ما ساقی الست
 گفتی لب چشمه حیات است
 صبحدم بر یوسف گل پیرهن
 (۳) سه (۴) چهار

کدام بیت فاقد تلمیح است؟
 (۱) پس آن‌گه گفت خسرو تا که در حال
 (۲) چون سکندر که دویدی ز پی چشمه خضر
 (۳) سوزنی را پای‌بند راه عیسی ساختند
 (۴) گر سلیمان پیش ازین از رای دیوان را ببست

رود شاپور شیرین را به دنبال
 چشمه خضر دویدی ز پی اسکندر
 حب دنیا پای‌بندست از همه یک سوزن است
 رایش از پیغمبری و انگشتی بودی جری

در کدام بیت، تضمین به کار نرفته است؟
 (۱) چگونه کوتاه خواهم شبی که سعدی گفت
 (۲) چون شعر خواجه تازه و تر بود شهریار
 (۳) ورد صاحب‌نظران فاتحه روی تو باد
 (۴) نغمه بلبل شیراز نرفته‌ست ز یادم

که دوست را ننماید شب وصال دراز
 شعر تو هم که درس خود از چشم تر گرفت
 قل هو الله احد حرز دو ابروی تو باد
 دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم

در همه ابیات، آرایه‌های «تلمیح و استعاره» وجود دارد؛ به جز:

الف) ای که ز آب زندگی لعل تو می‌دهد نشان
 ب) چشمه حیوان به تاریکی در است
 ج) سکندروار در ظلمت بسی لب‌تشنه گردیدم
 د) آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما
 هـ) همه کس طالب آن سرو روان است این‌جا
 (۱) د - الف (۲) ج - ب

خیز و به دیده‌ام نشین آتش دل فرو نشان
 لؤلؤ اندر بحر و گنج اندر خراب
 که جام باده شد سرچشمه آب بقای من
 می‌رود آب حیات از چشمه نوش شما
 آب حیوان ز نفس سوختگان است این‌جا
 (۳) ب - هـ (۴) ج - د

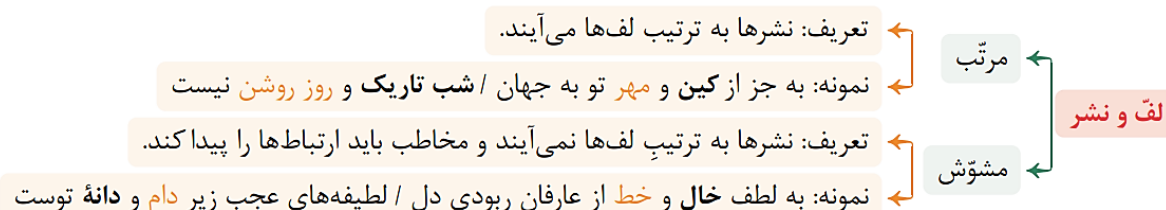
کدام ابیات دارای تلمیح هستند؟
 الف) گندم خال تو در خلد ره آدم زد
 ب) ترک چشمان تو مست‌اند و دو شمشیر به دست
 ج) سخن از لعل تو، هر جا که روم می‌شنوم
 د) یا رب! این خرمن گل چیست که از نکبت او
 هـ) ارنی گفت دلم بهر تماشای رُخش
 (۱) الف، ب، ج (۲) الف، هـ

زلف شیطان صفتت راهزن حوا شد
 از دو بدمست یکی شهر پر از غوغا شد
 این چه سری است که در دوره ما پیدا شد؟
 آتشی حاصل و جان‌سوز من شیدا شد
 لن‌ترانی به جواب از دو لبش گویا شد
 (۳) ب، هـ (۴) ج، هـ، د



لف و نشر: آرایه‌ایست که طی آن، شاعر ابتدا دو یا چند واژه را در بیت می‌آورد (که به آنها لف می‌گوییم) و بعد دو یا چند واژه یا عبارت دیگر را می‌آورد که هر کدام جداگانه با یکی از واژه‌های گروه اول در ارتباط‌اند. (که اینها را نشر می‌نامیم). مثلاً در بیت «**هجر** و **وصلت** **درد** و **درمان** من است / مردمی کن وصل بر هجران مزین» شاعر ابتدا «هجر» و «وصل» را ذکر کرده و در ادامه به ترتیب واژه‌های درد و درمان را آورده است. (هجر را درد و وصل را درمان دانسته است).

انواع لف و نشر: لف و نشر با توجه به ترتیب آمدن نشرها و رابطه‌شان با لف‌ها به دو نوع تقسیم می‌شود:



دوپینگ: در لف و نشر معمولاً معنی بخش اول ناتمام است و برای تکمیل معنی به آوردن ادامه مطلب (نشرها) نیاز دارد.

دوپینگ: لف و نشر ممکن است گاهی در محدوده یک مصراع اتفاق بیفتد و گاهی در محدوده یک بیت یا بیشتر.

تضاد: به آوردن دو واژه یا دو مفهوم که معنا یا مفهومی مخالف هم داشته باشند تضاد می‌گوییم. تضاد معمولاً میان «دو اسم»، «دو صفت»، «دو فعل» یا «دو مفهوم» شکل می‌گیرد.

مثال: درد و درمان / زخم و مرهم / گرگ و شبان / پیر و جوان / آب و آتش / جفا و وفا

دوپینگ: تضاد لزوماً نباید بین دو عنصر شناخته‌شده کاملاً مخالف شکل بگیرد. انتظار نداشته باش طراح همیشه زوج‌هایی را از نوع «آب و آتش»، «شب و روز» یا «زشت و زیبا» انتخاب کند که تضاد میان آنها مشخص است و اصلاً بدیهی به نظر می‌آید؛ بلکه در کلمات متضاد هرچقدر شناخته یا ناشناخته «نیت تضاد» مهم است. شاعر باید «نیت تضاد» داشته باشد؛ یعنی دو واژه را به عنوان دو عنصر مخالف هم به کار ببرد، حتی اگر آن دو، خارج از بیت، مراعات نظیر باشند.

خواه شکر ریز و خواهی **زهر** در جامم که تو / گرچه زهرم می چشانی از **شکر** شیرین‌تری

متناقض‌نما: در لغت به معنی «ناسازی و نقیض هم بودن» و در آرایه‌های ادبی نسبت دادن دو واژه، صفت یا مفهوم متضاد است، به صورت همزمان، به یک چیز. متناقض‌نما در واقع، آوردن دو چیز متناقض است، طوری که جمع کردن آنها از نظر منطقی، محال باشد و وجود یکی از آنها دیگری را نفی کند.

اگر گویا و پیدایی یکی خاموش پنهان شو / خوشا **خاموش گویا** و خوشا **پیدای پنهانی**

دوپینگ: پارادوکس می‌تواند در قالب یک «ترکیب» متناقض‌نما (وصفی یا اضافی) شکل بگیرد و می‌تواند در قالب یک «جمله»، در سرتاسر مصراع یا بیت، منتشر شده باشد.



دوپینگ: ملاک تشخیص پارادوکس، منطق و عقل است. عقل انسان سالم، نه مثلاً عقل عاشق! بنابراین، از میان رفتار و گفتار و عقاید عاشق، هر کدام با عقل سازگار نیست که اغلب هم نیست می‌تواند مصداق پارادوکس باشد؛ مثل اینکه غم معشوق برای عاشق از شادی هم شادتر است و درد عشق برای عاشق از درمان هم بهتر است و خار راه عشق برای عاشق از گل و سبزه هم لطیف‌تر است. مهم نیست برای عاشق چطور است؛ این مهم است که از نظر عقل، همه این‌ها محال است.

تفاوت تناقض و تضاد: این است که در تضاد دو موضوع متضاد به دو چیز مختلف نسبت داده می‌شوند بدون آنکه تناقض هم باشند؛ مثلاً کتاب دوست من است و قلیان دشمن من! یا دو موضوع متضاد به یک چیز نسبت داده می‌شوند اما در دو زمان مختلف؛ مثلاً: او دوست من بود اما کم‌کم دشمن من شد! اما در تناقض دو موضوع متضاد به طور همزمان به یک چیز نسبت داده می‌شوند: او هم دوست من است و هم دشمن من.

در کدام بیت «لف و نشر» مشهود نیست؟

حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را
راستی را چه شب تیره و خوش‌مهتابی است
شیشه را با شیشه‌گر دل را به آن دلبر گذار
سهال، مشتری‌غیب، هلال‌ابروی و مه‌پیکر

(۱) بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس
(۲) پرتو روی چو ماه تو در آن زلف سیاه
(۳) شکوه و شکر از شکست و بست، کوتاه‌دیدگی است
(۴) مرا ترکی است مشکین‌موی و نسرین‌بوی و سیمین‌بر

نوع «لف و نشر» در کدام گزینه متفاوت است؟

از وعده و وعید تو پر نور و نار باد
در کاینات نسخه سود و زیان رسید
زلف و روی تو در اسلام صلیب و صنم‌اند
من ندانم روز و شب با یک‌دگر چون بسته‌اند

(۱) جان و دل ولی و عدوی تو روز و شب
(۲) ای صاحبی که از رقم مهر و کین تو
(۳) صنم اندر بلد کفر پرستند و صلیب
(۴) زلف مشکین‌حلقه‌اش بر روی گلگون بسته‌اند

کدام گزینه دارای «لف و نشر» است؟

تا باخبر ز عالم معنا کنم تو را
دو زلف پرشکن و چشم پرفن است تو را
تا قبله‌گاه مؤمن و ترسا کنم تو را
خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تو را

(۱) بالای خود در آینه چشم من ببین
(۲) دلم شکستی و چشم از دو عالم بستی
(۳) مستانه کاش در حرم و دیر بگذری
(۴) خواهم شبی نقاب ز رویت برافکنم



کدام بیت فاقد تضاد و دارای پارادوکس است؟

- (۱) گوش مروتی کو، کز ما نظر نپوشد
- (۲) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
- (۳) در بساط عالم هستی که بیشی در کمی است
- (۴) شود از مهر خموشی دل خامش گویا
- دست غریق یعنی، فریاد بی صدایم
- که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما
- می زنی روزی دو شش صائب که نقش کم شوی
- جوش می، در جگر خم ز سر بسته بود

- در کدام بیت شاعر «استعاره» را با «متناقض نما (پارادوکس)» همراه کرده است؟

- (۱) یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
- (۲) با خردمندی و خوبی پارسا و نیک خوست
- (۳) ای زلف تو برهم زن فرزangi ما
- (۴) ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست
- رخساره به کس ننمود آن شاهد هر جایی
- صورتی هرگز ندیدم کاین همه معنی در اوست
- وین سلسله سرمایه دیوانگی ما
- نان حلال شیخ ز آب حرام ما

کدام بیت به آرایه‌های «تناقض، مراعات نظیر و تضاد» مزین شده است؟

- (۱) آفتاب ارچه صورتش پیداست
- (۲) مرغ مرده است دل که صید تو نیست
- (۳) بخ بخ ای دل که دوست در پیری
- (۴) آن حیاتی که روح زنده بدوست
- معنی خویش در نهان به تو داد
- به تو زنده است هر که جان به تو داد
- این چنین دولت جوان به تو داد
- از دو لعل شکرشان به تو داد

آرایه‌های ذکر شده در مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- (۱) گفته‌ای نیست گرفتار مرا آزادی
- (۲) چشم زاهد به شناسایی سر رخ و زلف
- (۳) خیز و از شعله می آتش نمرود افروز
- (۴) سیل کهسار خم از میکده در شهر فتاد
- نه که هر کس که گرفتار تو شد آزاد است (تضاد، تکرار)
- دیدن روز و شب اعمی (کور) مادرزاد است (تناقض، لف و نشر)
- خاصه اکنون که گلستان ارم شداد است (تلمیح، جناس)
- وای بر خانه پرهیز که بی‌بنیاد است (مراعات نظیر، تشبیه)



آرایه‌های «پارادوکس، استعاره، تلمیح، تضاد و لف و نشر» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| الف) مسکین‌دلم، به کوی تو رفت و مقیم شد | دیگر از آن مقام به جایی دگر نرفت |
| ب) آتش همگی گل است و ریحان | آن را که جز از خدا نترسد |
| پ) صد جهان معنی به لفظ ما گم است | این نهان‌ها آشکاری بیش نیست |
| ت) بیاض غمزه روز و سواد طره شب | ز روی و موی نمود آن نگار شیرین لب |
| ث) ناامیدی تو رو کرد به محراب نیاز | که ز تأثیر دم گرم دعا می‌سوزد |

۱) الف - پ - ت - ب - ث ۲) پ - ث - ب - الف - ت ۳) الف - پ - ث - ت - ب ۴) پ - ث - الف - ب - ت

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«بر دل پاک تو حاشا نبود خاشاکی خار و خاشاک جفایت، گل و ریحان من است»

- ۱) متناقض‌نما - تشبیه - مراعات نظیر ۲) لف و نشر - تضاد - جناس
- ۳) جناس - متناقض‌نما - تضاد ۴) تشبیه - لف و نشر - جناس

آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند؛ به جز:

- ۱) گرچه در بحر غم او به کنار افتادیم لیک شادیم که امید کنار است آن جا (تشبیه، جناس)
- ۲) با مشربی ز ملک سلیمان وسیع‌تر در چشم تنگ مور به سر می‌بریم ما (تلمیح، تناقض)
- ۳) تو کوه و کاه چه دانی که شهریارا چیست؟ به کوه محنت من بین و چهره کاهی (جناس، لف و نشر)
- ۴) جانا هزار آفرین بر جانست از سر تا قدم صانع خدایی کاین وجود آورد بیرون از عدم (استعاره، تضاد)



اغراق: توصیف کسی یا چیزی به طوری که غیر ممکن یا بیش از حد معمول به نظر برسد. در علم بدیع، اغراق به زیاده‌روی در توصیف یک پدیده یا در مدح (ستایش) و ذم (نکوهش) گفته می‌شود؛ طوری که برای شنونده شگفت انگیز و زیبا باشد. آرایه اغراق این توانایی را دارد که یک موضوع کوچک را بزرگ و یک موضوع بزرگ را کوچک جلوه بدهد. این را هم یادت باشد که اغراق، مناسب‌ترین آرایه برای آفریدن تصویر در حماسه است.

از بس به دیده دل، دریای خون زند جوش / ترسم ز سیل اشکم عالم خراب گردد
دلم تعلق اگر با دهان تنگ تو دارد / روا بود که بگویم که دل به هیچ بیستم

دوپینگ: خیلی از تشبیهات و همانندسازی‌ها با اغراق همراه‌اند. در آزمون‌ها تشبیه چیزی به چیز دیگر را به شرطی که دارای اغراق برجسته و باورنکردنی باشد، علاوه بر تشبیه، اغراق هم به‌شمار می‌آوریم.

سیلاب سرشک از غم هجران تو ام دوش / تا دوش بُد امروز به بالای سر آمد

اغراق‌های رایج:	
عجب مدار ز من روی زرد و ناله زار / که کوه کاه شود گر برد جفای خسی	شدت غم
از بس به دیده دل دریای خون زند جوش / ترسم ز سیل اشکم عالم خراب گردد	گریستن
حسن ملائک و بشر جلوه نداشت این قدر / عکس تو می‌زند در او حسن نمود می‌کند	زیبایی یار
چنان تیره شد روز روشن ز گرد / تو گفتی که خورشید شد لاجورد	شدت نبرد
گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را / از نازکی آسیب رساند بدنش را	لطفات یار
دلم تعلق اگر با دهان تنگ تو دارد / روا بود که بگویم که دل به هیچ بیستم	کوچکی دهان
حجت آن است که وقتی کمری می‌بندد / ورنه مفهوم نگشتی که میانی دارد	باریکی کمر

ایهام: به آوردن واژه‌های یا عبارتی در سخن با دو یا چند معنی، ایهام گفته می‌شود؛ به شرطی که دست کم دو معنی از واژه برداشت شود و هر دو در بیت، معنیدار باشند. این «دریافت همزمان چند معنی از یک واژه یا عبارت»، یک تصویر زیبا در در ذهن ایجاد می‌کند و باعث زیبایی کلام می‌شود.

مبر نام مستی که شرب **مدام** / بود کار آن کس که کاریش نیست

پیایی بکش جام و **سرگرم** باش / پهل گر بگیرند بیکارها



جدول برخی واژگان ایهام ساز:

واژه	معنای مختلف	واژه	معنای مختلف
روی	فلز - چهره	راه	اصطلاح موسیقی - مسیر
خراب	مستی - نابودی	مردم	مردمک چشم - انسان ها
هوا	میل و هوس - جو - مهر و عشق	مدار	مدار فلکی - نداشته باش
آب	آبرو - نوشیدنی	مشتري	سیاره - خریدار
آهو	غزال - عیب	مدام	شراب - پیوسته
سودا	خیال - داد و ستد	صبر	گیاه - تحمل
بی‌نوا	بی‌صدا - بدبخت	شیرین	مزه - معشوقه
تار	تاریک - تار مو - ابزار موسیقی	شور	مزه - هیجان - دستگاه موسیقی
پروانه	اجازه - نوعی حشره	شانه	کتف - ابزار آرایش
چنگ	پنجه - نوعی ساز	شوخ	چرک - بامزه
چین	کشور - پیچ و تاب	نگران	نگرنده - مضطرب
نای	نام قلعه و زندان - نی	روان	جاری - روح و روان
نهاد	سرشت - قرار داد	دیوان	دیوها - دفتر شعر
هزار	عدد - بلب	راست	صحیح - جهت
منصور	پیروز - نام شخصیت	بو	رایحه - آرزو
لب	عضوی از چهره - کنار	غریب	بیگانه - عجیب
مهر	خورشید - عشق و محبت	مجنون	دیوانه - نام شخصیت
دور از تو	در فراغ تو - از تو دور باشد	عود	چوب خوش بو - نوعی ساز
گلستان	کتاب سعدی - گلزار	قلب	دل - سکه قلبی - مرکز



ایهام تناسب: آوردن واژه‌های است با دست کم دو معنی که یک معنی آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنی دیگر - که مورد نظر نیست - با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد. به بیان دیگر، در این آرایه واژه‌های که ظرفیت ایهام داشتن را دارد در بیت به کار می‌رود اما فقط در یکی از معانی خود؛ اما وجود واژه یا واژه‌هایی در متن ما را فقط و فقط به یاد معنی دوم می‌اندازد. مثلاً شاعر طوری از واژهٔ مدام (به طور کلی، به دو معنی همواره و شراب) استفاده می‌کند که تنها در یک معنی خود (مثلاً همواره) به کار برود و در عین حال، در معنی دیگرش (شراب) با کلماتی در بیت (مثلاً جام و باده و ساقی و مست و خراب) تناسب داشته باشد.

شور عشق از پردهٔ دل عاقبت بیرون فتاد این نمک تا چند پنهان در کباب من شود؟

شور
 هیجان (✓)
 نوعی مزه (✗) ← تناسب با «نمک و کباب»

در حریم زلف اگر نگشاید از ما هیچ کار آبی از مرغان به دست شانه می‌ریزیم ما

شانه
 ابزار آرایش مو (✓)
 کتف (✗) ← تناسب با «دست»

تفاوت ایهام و ایهام تناسب:

در ایهام: اغلب، هر دو معنی واژه، مورد نظر و پذیرفتنی است. مثال: با مُحْتَسِبِمْ عِیْبِ مَکُوْبِیْدِ که او نیز / پیوسته چو ما در طَلَبِ عِیْشِ مَدَامِ است «مدام» دارای ایهام است: ۱- شراب ۲- پیوسته و مداوم
در ایهام تناسب: تنها یک معنی، پذیرفتنی است و معنای دوم که مد نظر نیست با واژه یا واژه‌های دیگر در بیت یا عبارت، تناسب می‌سازد. مثال: بیا بیا که فقیریم و خاکسار تویم / مدام مست می چشم پُر خمار توایم «مدام» دارای ایهام تناسب است: ۱- مدام و همیشه (معنای مورد نظر) ۲- شراب (غ.ق.ق) متناسب با می، مست



کدام بیت، فاقد «ایهام» و دارای «اغراق» است؟

- (۱) خورشید خاوری کند از رشک جامه چاک
- (۲) بیا که گر نبود شمع در شب دیجور
- (۳) روی ننموده ز ما نقد روان می‌جویند
- (۴) رحمتی فرما که از باران اشک چشم من
- گر ماه مهرپرور من در قبا رود
- رخ چو ماه تو ما را تمام خواهد بود
- ملک در بیع نیاورده، بها می‌خواهند
- مردم بیچاره را در خانه آب افتاده است

در کدام بیت، آرایه «ایهام» یا «ایهام تناسب» یافت نمی‌شود؟

- (۱) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق
- (۲) سایه تا باز گرفتی ز چمن مرغ سحر
- (۳) چو غنچه بر سرم از کوی او رسید نسیمی
- (۴) آن سرو ناز بین که چو خوش می‌رود به راه
- که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
- آشیان در شکن طره شمشاد نکرد
- که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم
- وان چشم آهوانه که چون می‌کند نگاه

واژه مشخص شده در همه ابیات، «ایهام تناسب» ساخته است؛ به جز ...

- (۱) از آن دم هر دلی که افسرده باشد
- (۲) دوش ز چشم مردمان اشک به وام خواستم
- (۳) تا هر کست ای شانه نگیرد در دست
- (۴) باش چو شطرنج روان، خامش و خود جمله زبان
- اگر زنده نگردد مرده باشد
- این همه اشک عاریه است اشک روان من کجا
- کوتاه کن از دو زلف آن دلبر دست
- کز رخ آن شاه جهان فرخ و فرخنده شدم

کدام بیت، دارای «ایهام و بیشترین تشبیه» است؟

- (۱) کلید گنج سعادت، قبول اهل دل است
- (۲) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- (۳) گر بهار عمر باشد، باز بر تخت چمن
- (۴) مهر تو عکسی بر ما نیفکند
- مباد! آن که در این نکته شک و ریب کند
- ز باغ عارض ساقی، هزار لاله برآید
- چتر گل در سر کشی، ای مرغ خوش‌خوان غم‌مخور
- آینه رویا آه از دلالت آه!



آرایه‌های نوشته‌شده در روبه‌روی همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به‌جز ...

- (۱) آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست
چون عود گو بر آتش سودا بسوز و ساز (تشبیه - ایهام تناسب)
- (۲) از خانقاه دلم سیر شد برای خدا
مرا میر ز سر کوی می‌فروش امشب (تضاد - مجاز)
- (۳) حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد
یعنی از وصل تواش نیست به‌جز باد به دست (تلمیح - ایهام)
- (۴) خوشم به وعده خشکی ز شیشه‌خانه گردون
امید گوهر سیراب از این سراب ندارم (تشخیص - اغراق)

آرایه‌های «اغراق، تشبیه، مجاز و ایهام» به‌ترتیب در کدام ابیات آمده‌اند؟

- (الف) من گرفتم که قمار از همه عالم بردی
دست آخر همه را باخته می‌باید رفت
 - (ب) از حیرت جمال تو آینه خشک شد
از آفتاب اگرچه شود بیش آب چشم
 - (ج) به مژگان بیستون را آن‌چنان از پیش بردارم
که صد فریاد از فرهاد زرین‌چنگ برخیزد
 - (د) گل چو شبنم رو نمی‌پوشد ز چشم پاک من
می‌برد با خود به سیر گلستان بلبل مرا
- (۱) ب - الف - د - ج (۲) د - ج - ب - الف (۳) ب - د - الف - ج (۴) ج - ب - د - الف

آرایه‌های «اغراق، تضاد، مراعات‌نظیر و ایهام» به‌ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

- (الف) آه از زنگ کدورت پاک سازد سینه را
می‌شود روشن ز خاکستر سواد آینه را
 - (ب) در عهد تو هر چه من وفا کردم
پاداش وفای من جفا کردی
 - (ج) دیده تردانم تا می‌زند نقش بر آب
خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند
 - (د) هر کجا رندی‌ست در میخانه‌ای
جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند
- (۱) ج - د - ب - الف (۲) ج - الف - د - ب (۳) الف - ب - ج - د (۴) الف - ج - د - ب



حسن تعلیل: به آوردن دلیلی هنری و شاعرانه و غیرواقعی برای یک موضوع واقعی «حسن تعلیل» گفته می‌شود. در این آرایه، شاعر موضوعی را مطرح می‌کند که دلیل طبیعی، علمی یا دست کم عرفی و اجتماعی مشخصی دارد، اما به جای آن، دلیلی خودساخته و بیشتر، خیال‌انگیز را برای آن بیان می‌کند.

به یک کرشمه که در کار آسمان کردی / هنوز می‌پرد از شوق چشم کوکب‌ها

تا چشم تو ریخت خون عشاق / زلف تو گرفت رنگ ماتم

دوپینگ: مهم‌ترین موضوع در درک آرایه حسن تعلیل، درک درست معنی بیت‌هاست! اگر معنی و موضوع درست فهمیده نشود، پیدا کردن دلیل شاعرانه هم، کمکی به فهم منظور شاعر نمی‌کند.

دوپینگ: حسن تعلیل دو شرط اساسی دارد که بدون وجود هر یک از آن دو، حسن تعلیل هم پدید نمی‌آید.

الف) رویداد واقعی: اتفاقی که افتاده، باید «واقعی» باشد، نه صرفاً تخیل و تصور و توهم شاعر.

ب) علت غیرواقعی: دلیلی که برای اتفاق مورد بحث، اعلام می‌شود، باید غیرواقعی - اما شاعرانه و زیبا - باشد. اگر «علت واقعی» یک اتفاق را به آن اتفاق نسبت دهیم، این صرفاً «تعلیل» (بیان علت) است و «خسنی» (زیبایی شاعرانه‌ای) وجود ندارد.

پنجه تاک ز سرمای سحر می‌لرزد / لاله از بهر همین کرده فروزان منقل

بیچاره لاله هست دلش در میان خون / گویی ز دست باد صبا می‌برد ستم

حسن آمیزی: آمیختن دو یا چند حس با یکدیگر حس آمیزی نامیده می‌شود، این، یعنی نسبت دادن ویژگی‌های یک حس به حس دیگر.

گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی / سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت

دوپینگ: حس آمیزی، همیشه مربوط به در هم آمیختن دو حس از حواس پنجگانه نیست. گاهی وقت‌ها یکی از دو طرف، «محسوس» نیست، بلکه یک رفتار یا یک پدیده ذهنی و انتزاعی است، یعنی مفهومی است که درک می‌شود، اما نه با حواس پنج‌گانه و نه به کمک اندام‌های حسگر پنج‌گانه، بلکه یک حس درونی آن را می‌فهمد و یک درک باطنی و دریافت درونی از آن پدیده، اتفاق می‌افتد. ترس، غرور، شرم و عشق نمونه‌هایی از مفاهیم انتزاعی هستند.

ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب؟ / که بوی باده مدامم دماغ تر دارد

تا تلخی هجران نکشد خسرو پرویز / قدر لب شیرین شکر بار نداند

دوپینگ: برخی از شکل‌های درآمیختن حس‌ها هستند که بیشتر مفهوم کنایی دارند و به کنایه‌ها شبیه‌اند تا اینکه صرفاً درآمیختن ظاهری دو حس باشند. در واقع در این موارد، درآمیختن حس‌ها در خدمت آرایه کنایه قرار گرفته است؛ مانند «چشم پر حرف» (کنایه از چشمی که نگاهی تأثیرگذار مانند سخن دارد)



اسلوب معادله: بیان موضوعی در دو عبارت جداگانه، طوری که یکی از دو طرف، معادلی باشد برای تأیید طرف دیگر؛ به شرطی که رابطه دو طرف بر پایه شباهت باشد. در این آرایه معمولاً یک مفهوم ذهنی در یک مصراع یا بیت، و یک مفهوم محسوس برای تأیید و تشبیه آن، در مصراع یا بیت دیگر می‌آید.

نفس ظالم می‌شود مظلوم در پیرانه سر / گرگ چون گردید بی‌دندان، شبانی می‌شود

دل گمان دارد که پوشیده‌ست راز عشق را / شمع را فانوس پندارد که پنهان کرده است

ویژگی‌های اسلوب معادله:

(۱) قرینگی عناصر و ارتباط میان آن‌ها

(۲) یکسان بودن مفهوم دو مصراع

(۳) معادل بودن دو مصراع

(۴) نبود وابستگی دستوری

(۵) امکان جابه‌جایی دو مصرع

کدام بیت دارای اسلوب معادله است؟

(۱) خانه آباد پیش پای سیل افتاده است

(۲) نتوان گذشتن از دو جهان بی جهاد نفس

(۳) تا ز خود بیگانه گشتم، رستم از قید فلک

(۴) پاک‌طینت می‌رساند فیض بعد از سوختن

- کدام بیت «فاقد» حسن تعلیل است؟

(۱) رزق اگر با آدمی عاشق نمی‌باشد چرا

(۲) تأثیر گریه سحر عندلیب بود

(۳) گفت خوابت هیچ می‌آید به چشم

(۴) دو نصیحت کنمت بشنو و صد گنج ببر

کدام بیت، فاقد اسلوب معادله و دارای لف و نشر است؟

(۱) یعلم الله که شقایق نه بدان لطف و سمن

(۲) میان شیشه و سنگ است خصمی دیرین

(۳) وفا و عهد مودت میان اهل ارادت

(۴) سزد ار کبوتر دل پی خال و زلفت افتد

خاطر معمور جز در خانه ویران مخواه

این راه دور قطع به شمشیر می‌شود

رخنه‌ای گر دارد این زندان، در بیگانگی است

عود خاکستر چو گردد می‌کند دندان سفید

از زمین گندم گریبان چاک می‌آید برون

کز غنچه سرخ‌روی برآمد جمال گل

گفت: آری تا بی‌بیم روی تو

از در عیش درآ و به ره عیب پیوی

نه بدان بوی و صنوبر نه بدان بالا بود

دل مرا و تو را چون توان به هم پیوست؟

نه چون بقای شکوفه‌ست و عشق‌بازی بلبل

که چه دانه‌های دلکش به کنار دام داری



کدام بیت دارای «تشبیه، تناقض و حسن تعلیل» است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (۱) آینه دل داغ جلا ماند و نفس سوخت | فریاد که روشن نشد این آتش و خس سوخت |
| (۲) تا سرو پی بندگی قد تو برخاست | دور فلک آزاد ز بند محنش کرد |
| (۳) جان سوزتر ز آتش قهر است لطف عشق | اشک کباب از رخ خندان آتش است |
| (۴) تا به آن دست نگارین نسبتی پیدا کند | پنجه از خون شفق سازد حنایی آفتاب |

آرایه‌های «تلمیح، حسن تعلیل، اسلوب معادله و حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| (الف) وفا و مهر از آن گل طمع مدار ای دل | توقع ثمر از بید بادپیمایی است |
| (ب) چو غنچه مشتش زری عندلیب اگر می داشت | هزار نکته رنگین به یک دهن می گفت |
| (ج) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت | آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب |
| (د) اسیر نفس و هوا ماند دل هزار افسوس | به دست دیو برآورد زنگ خاتم ما |

(۱) د - الف - ب - ج

(۲) ب - الف - د - ج

(۳) ب - د - ج - الف

(۴) د - ج - الف - ب

آرایه‌های مذکور در مقابل کدام گزینه هر دو درست است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) زان سینه که باشد تهی از کینه اغیار | ظلم است که بیرون نکنی کینه ما را (حسن تعلیل - جناس) |
| (۲) شب تا سحر تو مست شکر خواب | بی خوابیم کشت دور از تو دریاب (ایهام - حس آمیزی) |
| (۳) می خورده‌ام و می خورم و خواهم خورد | تا بوده و تا هستم و تا خواهم بود (لف و نشر - اغراق) |
| (۴) نداد عشق گریبان به دست کس ما را | گرفت این می پر زور چون عسس (پاسبان) ما را (تشبیه - اسلوب معادله) |

در کدام بیت آرایه‌های «تشخیص - اسلوب معادله - ایهام تناسب - حسن تعلیل - تضاد» تماماً یافت می‌شود؟

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) شب‌نم نکرد داغ دل لاله را علاج | نتوان به گریه شست خط سرنوشت را |
| (۲) فریاد عندلیب ز گل شد یکی هزار | بی‌پرده کرد پرده بسیار، ساز را |
| (۳) گوهر حدیث پاکی دامن او شنید | از شرم، هر دو دست صدف را به رو گرفت |
| (۴) در وداع شب همانا خون گریست | روی خون‌آلود زان بنمود صبح |



ترتیب آرایه‌های «تشبیه، حسن تعلیل، ایهام تناسب، استعاره و اسلوب معادله» در کدام گزینه صحیح است؟
 الف) به نومی‌دی گره از کار سالک باز می‌گردد نفس چون سوخت در دل شهر پرواز می‌گردد
 ب) ز دست رد نتابد رو طلبکار قبول حق که موج از سیلی ساحل به دریا باز می‌گردد
 ج) سخن را روی گرم از قید خاموشی برون آرد سپند از آتش سوزان بلند آواز می‌گردد
 د) ملامتگر سر از دنبال بدگوهر نمی‌دارد زبان آتشین شمع خرج گاز می‌گردد
 هـ) درون پیکر خشک آتشی از عشق او دارم که می‌سوزد که چون هر کس به من دمساز می‌گردد

۱) الف، ب، ج، هـ، د ۲) د، ج، الف، ب، هـ ۳) هـ، ب، الف، ج، د ۴) الف، هـ، ج، ب، د

در کدام بیت آرایه‌های «تلمیح، جناس، ایهام تناسب و حس آمیزی» تماماً یافت می‌شود؟

۱) اجرها باشدت ای خسرو شیرین‌دهنان
 ۲) مگر شهید به این تیغ کوه شد فرهاد؟
 ۳) احوال گنج قارون کایام داد بر باد
 ۴) تیشه در تمثال شیرین گرچه سختی‌ها کشید

گر نگاهی سوی فرهاد دل‌افتاده کنی
 که لاله‌اش به چراغ مزار می‌ماند
 در گوش دل فروخوان تا زر نهان ندارد
 جان شیرین مزد دست از کوهکن آخر گرفت

در ابیات زیر به ترتیب، کدام آرایه‌ها یافت می‌شود؟

الف) نام شکر نبرم پیش عقیق تو که خسرو
 ب) دل‌افگار ما را نیست غیر از داغ دلسوزی
 ج) میان بحر به یاد گهر توان رفتن
 د) تا خیال لب و دندان تو در چشم من است

با وجود لب شیرین به شکر باز نماند
 ز چشم جغد دارد روشنی ویرانه در شب‌ها
 هوای زهر به شوق شکر توان کردن
 مردم چشم من از لعل و گهر قارون است

۱) تشبیه - ایهام - مراعات‌نظیر - حسن تعلیل
 ۲) تلمیح - پارادوکس - جناس - لف و نشر

باتوجه به بیت زیر آرایه‌های کدام گزینه تماماً درست است؟

«پسته‌ها را لعل می‌گونت گریبان چاک کرد
 تلخ شد از چشم شوخت خواب بر بادام‌ها»

۱) تشخیص - حسن تعلیل - مجاز - تضاد - جناس
 ۲) استعاره - تشبیه - کنایه - حسن تعلیل - حس آمیزی
 ۳) تشخیص - استعاره - حسن تعلیل - ایهام - تناقض
 ۴) استعاره - تشبیه - کنایه - مجاز - اسلوب معادله



مرور مطالب

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«ای که از سرچشمه نوشت برفت آب نبات

مردۀ مرجان جان‌افزای توست آب حیات»

(۱) تلمیح، تشبیه، حسن تعلیل، کنایه

(۲) ایهام تناسب، اسلوب معادله، استعاره، لف و نشر

(۳) جناس تام، تشبیه، ایهام، حسن تعلیل

(۴) تشبیه، استعاره، جناس، واج‌آرایی

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«کوهکن که یک عمری داشت غصه شیرین

روی او ندید آخر داد جان شیرین را»

(۱) مجاز - جناس - ایهام تناسب - حس‌آمیزی

(۲) پارادوکس - تلمیح - کنایه - واژه‌آرایی

(۳) حسن تعلیل - جناس تام - ایهام - تلمیح

(۴) حس‌آمیزی - تلمیح - کنایه - تناقض

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«جانا دل من چون دهن تنگ تو تنگ است

پشتم ز خیال سر زلف تو چو چنگ است»

(۱) ایهام تناسب، استعاره مصرحه، مجاز، واژه‌آرایی

(۲) تشبیه بلیغ اسنادی، جناس، اسلوب معادله، ایهام

(۳) مراعات نظیر، واج‌آرایی، اسلوب معادله، تشبیه

(۴) کنایه، سجع، حسن تعلیل، لف و نشر

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«مشک را سودای زلفش، خون به جوش آورده است

بی سبب خون جگر، در ناف آهو بسته نیست»

(۱) ایهام، استعاره، تشبیه، حسن تعلیل

(۲) واژه‌آرایی، اسلوب معادله، مراعات نظیر، استعاره

(۳) ایهام، مجاز، تشبیه، کنایه

(۴) کنایه، تضاد، تکرار، اسلوب معادله

آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«تو بندگی بگزین شهریار بر در دوست

که بندگان در دوست شهریاران‌اند»

(۱) ایهام، تضمین، تضاد، جناس

(۲) تضاد، ایهام، واج‌آرایی، تلمیح

(۳) متناقض‌نما، ایهام تناسب، جناس، واژه‌آرایی

(۴) مراعات نظیر، حسن تعلیل، پارادوکس، ایهام



آرایه‌های مقابل همه ابیات درست‌اند؛ به‌جز ...

- (۱) بی‌گناهی کم گناهی نیست در دیوان عشق
 - (۲) بلبلم لیک چو گل عهد ببندد با زاغ
 - (۳) در معركة عشق تو علقلم سپر افکند
 - (۴) یک چند بود لاله و گلنار همیشه
- یوسف از دامان پاک خود به زندان می‌شود (حسن تعلیل - پارادوکس)
- من دگر با چه دلی لب به سخن باز کنم (استعاره - ایهام تناسب)
- کان حمله که او آرد رستم نپذیرد (تضاد - تشخیص)
- تو لاله ز لب داری و گلنار ز رخسار (تشبیه - تناسب)

آرایه‌های مقابل همه ابیات درست است؛ به‌جز:

- (۱) پنبه را دانی چرا مینا دهد بر فرق جای
 - (۲) شوق تا باقی است ننشیند به دل هرگز غبار
 - (۳) پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود
 - (۴) کارها رو در گشایش همچو گل آورده است
- هر که سر می‌کشان پوشیده جایش بر سر است (حسن تعلیل - جناس همسان)
- گرد ننشیند بر اخگر شعله تا در مجمر است (اسلوب معادله - استعاره)
- مهرورزی تو با ما شهرة آفاق بود (جناس - مجاز)
- بستگی مانند قفل از خانه دل بر در است (تشبیه - تضاد)

آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند؛ به‌جز ...

- (۱) شاه شمشادقدان خسرو شیرین‌دهنان
 - (۲) بدان‌سان سوخت چون شمعم که بر من
 - (۳) سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر
 - (۴) در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل
- که به مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان (تشبیه، ایهام)
- صراحی گریه و بر ربط فغان کرد (استعاره، حسن تعلیل)
- هر که چون من در ازل یک جرعه خورد از جام دوست (تشبیه، مجاز)
- هر که خواهد دیدنم گو در سخن جوید مرا (پارادوکس، تشبیه)

آرایه‌های روبه‌روی همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به‌جز:

- (۱) در راه بتان که صلحشان باشد جنگ
 - (۲) تویی آن شمع که هر شام ملائک تا صبح
 - (۳) می‌کشم جوری از آن نرگس فتان که می‌پرس
 - (۴) در وصف لعل دلبر شیرین‌بیان ما
- تا چند خروشم چو جرس از دل تنگ؟ (پارادوکس - مجاز)
- در هوای تو پر و بال چو پروانه زدند (ایهام - تشبیه)
- می‌خورم خونی از آن غنچه خندان که می‌پرس (مجاز به علاقه شباهت - موازنه)
- شاخ نبات گشت زبان در دهان ما (استعاره - حس آمیزی)

هر دو آرایه نسبت داده شده به کدام بیت، درست است؟

- (۱) طبع سرکش در ربود از من عنان اختیار
 - (۲) چون تماشا را به سروسنجان رویم
 - (۳) پیش آی دمی جانم زین بیش مرنجانم
 - (۴) گر چنین شوید غبار زهد از دل بادهام
- تا کی این گلگون درآید زیر راه توبه‌ام (کنایه - موازنه)
- قد آن سرو خرامان یاد باد (استعاره - جناس)
- ای دلبر خندانم آهسته که سرمستم (جناس تام - سجع)
- بادبان کشتی می می‌شود سجاده‌ام (استعاره مکنیه - مجاز)



کدام بیت فاقد «استعاره» و دارای «تشبیه و جناس» است؟

- (۱) به کام تا نرساند مرا لبش چون نای
 - (۲) عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست
 - (۳) پری رویا چرا پنهان شوی از مردم چشمم
 - (۴) در اندیشه ببستم قلم وهم شکستم
- نصیحت همه عالم به گوش من باد است
راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو
پری را خاصیت آن است کز مردم نهان باشد
که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیان

در کدام بیت شاعر از تشبیه و پارادوکس بهره برده است؟

- (۱) صوفی مجلس که دی جام و قدح می شکست
 - (۲) به یاد شمع رخت آهی از دلم سر زد
 - (۳) تو خامه دو زبان بین که حال درد فراق
 - (۴) طالع نگر که کشت امیدم ز آب سوخت
- باز به یک جرعه می عاقل و فرزانه شد
که در دل شب تاریک روشنائی داد
چگونه شرح دهد با زبان بیریده
در کشوری که برق هوادار خرمن است

کدام گزینه، دارای یک ایهام و بیشترین تشبیه است؟

- (۱) اگرچه زان لب شیرین جواب تلخ دهند
 - (۲) چون توانم که دل از مهر رخت بگیرم
 - (۳) آب تلخ است مدامم چو صراحی در حلق
 - (۴) چو لاله بود چراغم به جستوجوی تو در دست
- ولی به گاه شکرخنده جان شیرین‌اند
زان که چون صبح به آه سحرت یافته‌ام
تا تو یک روز چو ساغر به دهن بازآیی
ولی به باغ تو دور از تو داغدار تو بودم

تعداد «تشبیه» در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت
 - (۲) لعلش آتش، نرگش مست مدام
 - (۳) تو سعی کن که دلت ساده از رقم گردد
 - (۴) خیال تو چو درآید به سینه عاشق
- پرده صبر من از دامن گل چاک‌تر است
قدّ سروش را ندارد دلبیری
که دل چو پاک شد از نقش، جام جم گردد
درون خانه تن پر شود چراغ حیات



کدام بیت، فاقد «مجاز» است؟

- (۱) دفتر مدح تو اندر پیش بنهم روز و شب خانه بفروزم به آتش پر کنم کوی از پری
- (۲) نرگست در طاق ابرو از چه خفتد بی خبر زان که جای خواب مستان، گوشه محراب نیست
- (۳) تا نگفتی سخن ندانستم که تو شیرین زبان دهن داری
- (۴) من در اندیشه آنم که روان بر تو فشانم نه در اندیشه که خود را ز کمندت برهانم

همه آرایه‌های «جناس، اسلوب معادله و استعاره» در کدام بیت یافت می‌شود؟

- (۱) طاق کرد از هر دو عالم طاق آن ابرو مرا ساخت وحشی از جهان آن نرگس جادو مرا
- (۲) گفت و گوی خاموشان را ترجمان در کار نیست لال می‌فهمد به آسانی زبان لال را
- (۳) کلید گنج سعادت، زبان خاموش است صدف به مزد خموشی، گهر ز نیسان یافت
- (۴) نفس را بدخو به ناز و نعمت دنیا مکن آب و نان سیر، کاهل می‌کند مزدور را

کدام بیت، فاقد ایهام است؟

- (۱) به تیرگی و درازی شبی چو دوش ندیدم اگر چه زلف تو از دوش بگذرد به درازی
- (۲) نغمه عشاق در نوروز خوش باشد ولیک ای دریغ از عیش ما را دست می‌دادی ادات
- (۳) چون بت رودساز من چنگ به ساز در زند من به فغان نواگری یاد دهم رباب را
- (۴) پی یک غمزه اشراقی چشمت بزند گر چه صد مرحله تحصیل اشارات کند

در ابیات زیر، به ترتیب چند «استعاره و پارادوکس» یافت می‌شود؟

- چون مات برد ماست همه کس حریف ماست و آن جا که نیستی ست همه عین هست ماست
- چو از تیغ حیات انگیز زد مر مرگ را گردن فروآمد ز اسپ اقبال و می‌بوسید دستش را
- ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی لطف کردی سایه‌ای بر آفتاب انداختی

(۴) شش - پنج

(۳) پنج - پنج

(۲) شش - چهار

(۱) پنج - چهار



در چند بیت از ابیات زیر، «ایهام» یا «ایهام تناسب» مشهود است؟

الف) فلک گر بیچد ز فرمان او سر	از آن شفقتش می‌زند تازیانه
ب) کاشکی مادر نژادی مر مرا	یا مرا شیری بخوردی در چرا
ج) صبر ایوبی ببايد تا ببیند روزگار	هم‌چو داعی مدح‌پردازی ز کرمان آمده
د) چون مگس دوری‌ام از محفل او تلخ بود	زان‌که شیرینی عالم همه در محفل اوست
ه) همیشه قد تو با سرکشی قرین بوده	مدام زلف تو با فتنه هم‌عنان رفته
۱) دو	۲) سه
۳) چهار	۴) پنج

آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام تناسب، جناس، تلمیح و تشبیه» به ترتیب در کدام ابیات آمده‌اند؟

الف) تختگاه عشق ما داریم و از دار ایمنیم	زانکه دار از روی معنی رایت منصور ماست
ب) در چمن سرو سرفراز که کارش بالاست	سرفراز است ولی چون تو سهی بالا نیست
ج) ترک من ترک من بی سر و پا کرد و برفت	جگرم را هدف تیر بلا کرد و برفت
د) این همه ناله مرغان به چمن زان سبب است	که نقاب از رخ گل باد سحر دیر کشید
ه) ور پرتو خورشید رخس تاب نیاری	در سایه آن زلف سیه کار فرود آی

۱) د، ه، ب، الف، ج

۲) ب، ه، د، الف، ج

۳) د، ب، الف، ج، ه

۴) ب، ج، د، ه، الف

در شعر نیمایی زیر، چند «تشبیه» به کار رفته است؟

«سال میان دو پلک را / ثانیه‌هایی شبیه راز تولد / بدرقه کردند / کم‌کم در ارتفاع خیس ملاقات / صومعه نور / ساخته می‌شد / حادثه از جنس ترس بود»

۱) دو	۲) سه	۳) چهار	۴) پنج
-------	-------	---------	--------



آرایه‌های «مجاز، لف و نشر، سجع، ایهام تناسب و جناس» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

- | | |
|--|--|
| الف) گفت منم آفتاب نیست تو را تاب تاب | زان که ز یک تاب من از تو نماند اثر |
| ب) در بند مدارا کن و در بند میان را | در بند مکن خیره طلب، مُلکت دارا |
| ج) چراغ بی‌کسان از عالم بالا شود روشن | نظر بر ابر دارد لاله‌ای کز سنگ برخیزد |
| د) نیست با خورشید تابان، حاجت شمع و چراغ | هر که را دل روشن است، از چشم بینا فارغ است |
| ه) ماهی دگر است ای جان، اندر دل مه پنهان | زین علم یقینستم، آن عین یقین خواهم |

۱) ه - د - الف - ج - ب ۲) ج - د - ه - ب - الف

۳) د - ه - الف - ب - ج ۴) ج - ب - ه - د - الف

آرایه‌های «مجاز، حس آمیزی، ایهام تناسب، لف و نشر و جناس» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شوند؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| الف) در زمین شور تخم خویش را باطل مکن | گوش زاهد نیست در خور داستان عشق را |
| ب) تا چه آید روشن است از دست این یک قبضه خاک | چرخ نتوانست زه کردن کمان عشق را |
| ج) نیست غیر از گرم رفتاری در این ظلمت سرا | پیش پای خود چراغی شبروان عشق را |
| د) پیش از این، این جا نمک را قیمت الماس بود | شور من کان ملاحیت ساخت خوان عشق را |
| ه) خار و خس را موجه سیلاب گردد بال و پر | زینهار از کف مده «صائب» عنان عشق را |

۱) ب - ج - ه - الف - د ۲) ج - الف - د - ه - ب

۳) ج - د - ب - الف - ه ۴) الف - ج - د - ه - ب